

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۹
شماره ۲ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۱۵ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

رفیق نورالدین کیانوری:

ما به آقای بنی صدر، که اینقدر از «آزادی» سخن می گویند، برای چندمین بار پیشنهاد میکنیم که با ما به مناظره بنشینند!

چگونه «سهجانی‌ها» و هواداران تحکیم مناسبات با فرانسه «آزادمنش» مفتضح شدند!
دشنام‌گویی از تریبون رسمی، نشانه قدرت استدلال نیست!
چگونه کسانی که ما را «خائن» معرفی میکنند، خود به خیانت پیشبرد «منافع حیاتی» آمریکا تن در می‌دهند!
تاریخ از هر دروغی نیرومندتر است!
ما در فحاشی شاگردان بی‌استعدادی هستیم!

چگونه به در گفته میشود، تا دیوار بشنود!
برای قضاوت در باره انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، دست به دامان روزنامه‌های پولواری پاریس نشوید!
واقعیات نشان داده است که حزب توده ایران، هم علم دارد و هم اخلاق!
شباهت میان حرفهای آقای بنی صدر و «رنجبر» تاسف‌آور و تعجب‌انگیز است!

صفحه ۴

با تحریکات امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده اش در مدارس، باید برخورد منطقی داشت

معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش آقای ایرج شگرف نضی، ضمن مصاحبه خود با خبرنگار روزنامه اطلاعات، درباره برخی مسائل آموزش و پرورش و از جمله درگیری در مدارس، مطالبی بیان داشته است. آقای شگرف نضی در این زمینه گفته است:

«دانش آموز انقلابی ما باید بداند که آزادی با هرج و مرج تفاوت بسیار دارد.» این گفته‌ای است بجا و منطقی.

معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش که دستهایی در هرج و مرج بکشاند و زمینه‌های تعطیل مدارس، کشاندن کودکان و نوجوانان به خیابانها و گسترش ناراضی در میان خانواده‌ها را فراهم سازد. تعطیل مدارس توطئه پلید امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن است، که تاکنون با رهنمودهای بموقع امام خمینی و هشدارهای اکثریت اولیاء و مربیان دانش آموزان مدارس عقیم مانده است. اسناد جاسوسخانه آمریکا، که بهمت «دانشجویان مسلمان

وضع مدارس در سال جاری نشان میدهد که دستهایی در کارند، تا مدارس را به آشوب و هرج و مرج بکشاند و زمینه‌های تعطیل مدارس، کشاندن کودکان و نوجوانان به خیابانها و گسترش ناراضی در میان خانواده‌ها را فراهم سازد. تعطیل مدارس توطئه پلید امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن است، که تاکنون با رهنمودهای بموقع امام خمینی و هشدارهای اکثریت اولیاء و مربیان دانش آموزان مدارس عقیم مانده است. اسناد جاسوسخانه آمریکا، که بهمت «دانشجویان مسلمان

پیر و خط امام» افشاء شده است، پنجو بازی نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش، مدارس را بعنوان یکی از پایگاههای تشنج و آشوب انتخاب کرده‌اند، باین حساب که چون اکثریت مطلق خانواده‌های ایرانی، یکی دو کودک دانش آموز دارند، نابسامانی وضع مدارس می‌تواند ناراضی را بخانواده‌ها تسری دهد و از طریق بستگان دانش آموز، این ناراضی به سراسر جامعه اشاعه یابد. با این محاسبه مؤذیان است که در سند بدست آمده از لانه جاسوسی گفته میشود:

«تفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس هر دو میتواند باعث ناراضی عمومی گردد.»

بسدنبال این دستورالعمل جاسوسان امریکائی برای شربه زدن به انقلاب ایران عوامل هرادار رژیم گذشته، گسروهکهای مائوئیستی-امریکائی و لیبرالها، آگاهانه و برخیا مانند هواداران «سازمان مجاهدین خلق ایران» ناآگاهانه لحظه‌ای مدارس را آرام نگذاشته‌اند.

فرزندان خانواده‌های طاغوتی و سواراکی در مدارس شمال شهر بقیه در صفحه ۴

بانمایندة شاه ملعون همزبان نشوید!

احمد بنی‌احمد، نماینده مجلس رستخیزی شاه ملعون، که در پاریس همراه دیگر ضدانقلابیون با تمام قوا در تلاش سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و روی کار آوردن یک رژیم مورد نظر آمریکاست و ادعا میکند که:

«همزبانان ترک وی در استان آذربایجان مجاور مرز ترکیه، قادرند ناحیه‌ای از میانه تا رضایه را ظرف ۵ روز از تهران جدا کرده و یک «حکومت آزاد ایران» تشکیل دهند» (اطلاعات، ۲۷ بهمن ۵۹)

از جمله گفته است:

«راديو تلویزیون، برنامه‌ریزی، طرح بودجه و دیگر ارگانهای حیاتی مملکت در دست مقامات حزب توده است.» (همانجا)

وی افزوده است:

«طراح سیاستهای کشور، حزب توده است.» (همانجا)

بنی‌احمد، همچنین در مصاحبه خود از آقای بنی‌صدر پشتیبانی کرده و گفته است:

«روحانیون باید برفع پرزیدنت بنی‌صدر از صحنه سیاست کناره‌گیری کنند و در غیر اینصورت کشور ایران با خطر مضاعف تسلط کمونیسم و کودتائی از نوع «بینوشه» روبرو می‌گردد.» (همانجا)

«رژیم تهران (منظور بنی‌احمد، امام خمینی است) از حمایت ۴۰ الی ۴۵ درصد از مردم ایران برخوردار است و باقی ایرانیان از بنی‌صدر تبعیت می‌کنند.» (همانجا)

«مردم ایران از بنی‌صدر حمایت میکنند، چرا که وی تنها پناه قانونی برای آنان است و وجود وی جهت اولین مرحله انتقال به یک حکومت جدید دمکراتیک ضروری است. برفع روحانیون است که بجای تولید در دسر برفع بنی‌صدر کنار بروند.» (همانجا)

از احمد بنی‌احمد، خاخی که هنوز خواب‌دوران شاهنشاهی را می‌بیند و برای بازگرداندن سطره اربابان امپریالیست حتی از تلاش برای تجزیه ایران ابا ندارد و سخنانش در خط ریگان است، جز این انتظار نمی‌رود که سخنان ارباب ریگان را درباره «خطر توده‌ایها» تکرار کند.

ولی آیا گفته‌های احمد بنی‌احمد هشدار نیست بپه کسانی که ناآگاهانه از خطر توده‌ایها صحبت میکنند؟ آیا باز هم باید با این ضدانقلابیهای فراری و اربابشان ریگان، همزبان شد؟

نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست

«... رفیق و توی گروه بسیج اسم نوشته‌ام و قرار است که ما را بفرستند به جبهه برای دفاع از کشور و خوشحالم از اینکه می‌توانم سهمی هم در دفاع از انقلاب داشته‌ام» - و کشور ایران داشته باشم. و تنها خواهشی که دارم پدر، اینست که بعد از مرگ من، برای من عزای نگیرید و خوشحال باشید که فرزندت با افتخار در راه دفاع از انقلاب و کشورت شهادت یافته است.»

رفیق مالک الهی، در یک خانواده کارگری، در سال ۱۳۳۶ متولد شد و از همان اوان کودکی با سایه شوم فتن آشنا شد. رفیق مالک بدلیل مشکلات مالی، که گریبانگیر خانواده زحمتکش او بود، تحصیل را نیمه تمام گذارد و در جستجوی کار و نان، شهرها و روستاهای کشور را زیر پا نهاد و با واقعیت دردناک زندگی مردم، از نزدیک آشنا شد و در کوره رنج و زحمت آنها گداخت. جستجوی علل این زندگی غیرانسانی، رفیق مالک را به فکر واداشت و پرستش-های خود را با برادرش-یک توده‌ای - در

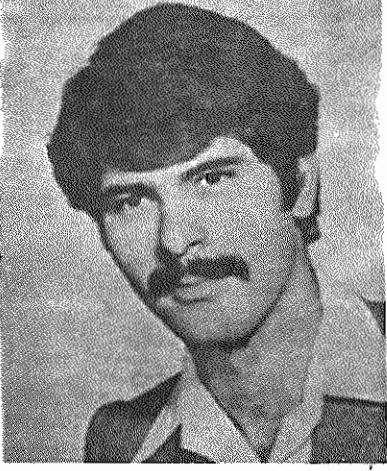
میان نهاد. این سرآغاز راهی بود که او را بسوی خورشید برد.

رفیق مالک با نام حزب توده ایران از ۱۵ سالگی آشنا شد و گذشت زمان و تجربه زندگی و مبارزه، او را کام بکام به صحت راه حزب توده‌ها رهنمون گشت. «نویده» او را به مرزهای تازه‌ای برد و رفیق مالک، پس از مدت کوتاهی مطالعه این شب‌نامه انقلابی، که در سیاهی خفتان، نور آگاهی و امید مبارزه می‌دید، آنرا به دیگران نیز میرسانید.

در اوایل سال ۵۶، رفیق مالک دیگر یک توده‌ای بود و با تمام قوا نظریات حزب خود را به میان توده‌ها، که خود با آنان پیوند و رابطه گسترده داشت و در میان آنان از محبوبیت و احترام فراوانی برخوردار بود، می‌برد. او در سال ۵۷ به پخش «نویده» در مقیاس وسیع، در محله‌های کارگری شرق تهران، کمک میکرد.

گل انقلاب که شکفت، رفیق مالک، مانند همیشه در میان مردم بود. به زحمتها بقیه در صفحه ۴

رفیق مالک الهی کارگری از تبار کار و زحمت، که به قافله شهدای توده‌ای پیوست



در نبردهای ۲ روز گذشته، یک دکل دیده‌بانی و تعدادی از مخازن پالایشگاه شهر فاو عراق نابود شدند

پدر جبهه میلانغرب، رزمندگان انقلاب به پیروزیهای قابل توجهی دست یافتند.

میلیتری، یک سنگر تیربار ضد هوایی و یک سنگر اجتماعی دشمن در غرب رود کارون منهدم و ۳۸ تن از نیروهای صدامی کشته و زخمی شدند. همین گزارش حاکیست نیمه شب ۲۹

پارسی حاکمیت که بر اثر آتش رزمندگان انقلاب در جبهه شرقی خونین شهر، مواضع دشمن در جبهه غربی این شهر مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه ۲ خودروی زیل، ۳ سنگر چهاره‌اندا ۶۰

رزمندگان دلاور انقلاب در ادامه نبرد عادلانه خود با تجاوزگران صدامی در تمام جبهه‌ها، توانستند طی دو روز گذشته ضربات شدیدی بر قوای خصم وارد آورند. گزارش خبرگزاری

بر خورد خصمانه با حزب توده ایران بسود انقلاب نیست

در قلمنامه قرائت شده در اجتماع مردم تبریز، که بمناسبت سومین سالروز قیام دلیرانه ۲۹ بهمن مردم این شهر علیه جنایتکاران آریامبری گرد آمده بودند، از جمله آمده است:

«ما از وزیر کشور میخواهیم که با قاطعیت بیشتر با گروهکهای وابسته عمل نمایند و آنها را بخصوص حزب توده... را منحل اعلام داشته و پیش از این فرصت توطئه باین نـوکران

ندهند» (جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن ۵۹)

خشم و کین و بیمدلتی و بی-انصافی نهفته در این جملات علیه حزب توده ایران، شکفت آور و تاسف‌انگیز است. اگر این اظهارات از قلم و زبان نیروها و عناصر پیر و خط امپریالیسم جاری میشد - همانگونه که روز و شب و در مطبوعات و سخنرانی‌های آنان جاری میشود - جای شکستی بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

توطئه سرمایه‌داران ایرانی مقیم کویت علیه انقلاب ایران

سرمایه‌داران ایرانی مقیم کویت، فعالیت‌های خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در این کشور افزایش داده‌اند. براساس اطلاعات رسیده، این افراد به کمک مدنی، اویسی و آریانا، که به کویت آمده‌اند، با جمع کردن ضدانقلابیون فراری، ارتش به اصطلاح آزادی-بخش تشکیل داده‌اند. این سرمایه‌داران با پخش عکس‌های گوناگون و متنوع‌پس شاه‌ملعون بین کارگران و تبلیغات مسموم، سعی دارند کارگران ایرانی را تحت تأثیر قرار دهند. گفته می‌شود که این ضد-انقلابیون با ضدانقلابیون مصر هم در ارتباط هستند. رادیو تلویزیون کویت اعلام کرده است که ایرانیان داوطلب می‌توانند برای گذراندن دوره چریکی با دریافت ماهی ۶ هزار تومان به مصر بروند. سرمایه‌داران برای هر چه وابسته کردن کارگران ایرانی به خود، پول کارگران را می‌گیرند و به آنها حواله می‌دهند که پول خود را مثلا در فلان بانک در ایران دریافت کنند. ما ضمن دادن هشدار، توجه مقامات مسئول، بخصوص دست-اندرکاران سیاست خارجی ایران را، به این مسئله جلب می‌کنیم.

کمک مالی به حزب توده ایران

- الف. م. مقدم ۱۰۰۰۰۰ ریال
ش. ی از تهران پارس يك قطعه
سکه طلا ربعی
گروه آژدر ۱۴۰۰۰ ریال
حسن از قم ۱۰۰۰ ریال
م از قم ۲۰۰۰ ریال
پ از قم ۲۰۰۰ ریال
مهندس از بابل ۱۰۰۰ ریال
پ. راننده از تهران ۵۰۰ ریال
ه. ک از قم ۱۰۰۰ ریال
کوکب آرائی ۱۰۰۰۰ ریال
مادری از خرم‌آباد يك گردنبند طلا
خانم خانه‌دار از انزلی ۱۰۰۰ ریال

- رامک از انزلی ۵۰۰ ریال
م. الف. ف از تهران ۵۰۰۰۰۰ ریال
خدیجه خانم ۳۰۰۰ ریال
هومن از تهران ۳۵۰ ریال
م. خ از سقز ۴۰۰۰ ریال
هومن از تهران ۳۵۰۰ ریال
کاظم. ر ۱۰۰۰ ریال
عده‌ای از هواداران حزب
۲۱۰۰ ریال
الف. قوچانی ۵۰۰۰ ریال
جمع‌آوری در سهمانی دوستانه
دانشجویان علوم اجتماعی
۴۳۵۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاطمی بپردازند.

نه، این قافله را ...

بقیه از صفحه ۹

کمک میکرد، در تظاهرات شرکت میکرد، علیه جلادان سنگر میساخت و در کوره انقلاب می‌گداخت و چون پولاد آبدیده میشد، دز سراسر روز ۲۱ بهمن ۵۷، رفیق مالک، پیراه دیگر توده‌ای‌ها و توده‌ها، در جنگ علیه نظامیان سرکوبگر گارد شرکت کرد و به محل آموزشهای هوایی در تهران تو حمله برد. شب انقلاب در سنگر، به هنگام ننگبانی، به رفیق توده‌ایش گفت:

«روز بروز به درستی نظریات حزب بیشتر می‌پریم. چقدر بدست آوردن سلاح آسان میشود وقتی که توده‌ها با به میدان می‌گذارند. این واقعا درست است که انقلاب کار توده‌هاست، نه کار گروه کوچکی از روشنفکران.»

خصلت عمیقاً توده‌ای رفیق مالک پیوندی عمیق میان او و مردم مجله‌اش برقرار کرده بود. او غمخوار مردم و مورد احترام عمیق آنها بود. رفیق مالک در زمستان ۵۷، که اعتصاب کارگران نفت گلوی رژیم را میفشرد، از سازماندهندگان پخش نفت در محله و مدافع و موجد نظم انقلابی جدید بود. او همه‌جا منادی وحدت، عشق به مردم زحمتکش و نفرت از مستکبران و غارتگران بود.



فشتگ هم خالی نمی‌گیم» اما هنگامیکه رژیم جنایتکار صدام حسین به ایران حمله کرد، رفیق مالک، یسه پیروی از فراخوان حزبی و برای دفاع از انقلابی که با تمام نیرو در به‌ثمر رسیدن آن شرکت کرده بود، داوطلبانه به بسیج پیوست تا به جبهه اعزام شود. جای او، مثل همه توده‌ایها، در صف مقدم جبهه بود. رفیق مالک ابتدا به بسیج تهران مراجعه کرد، اما برای شرکت در بسیج مشکلاتی فراهم کردند. او سپس به بوشهر رفت و در بسیج برای دفاع از انقلابی‌ت نام کرد. چگونه می‌توان یک توده‌ای را از دفاع از شرف و حیثیت مردمش و استقلال و آزادی وطنش محروم کرد؟ رفیق مالک الهی در جبهه با شجاعت، از خودگذشتگی و پا روحیه‌ای مبارزه-



پس از انقلاب نیز رفیق مالک، که رسماً به حزبی پیوسته بود، با مبارزات انقلابی مردم در دفاع از انقلاب و تعمیق آن، فعالانه همراه گشت. در محله، که همگان رفیق مالک را بعنوان يك توده‌ای و يك افسان شرافتمند و مبارز و مردم‌دوست می‌شناختند، هرکس که با انقلاب و با رهبر انقلاب همراه بود، او را دوست میداشت و هرکس که علیه انقلاب قرار داشت، رفیق مالک را دشمن میدانست. این عجیب نبود. خلوص و صمیمیت رفیق مالک الهی، چون دیگر توده‌ایها، در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی، مردم را، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، در تجربه‌شان به دوستی و نزدیکی با او رهنمون میشد.

هنگامیکه لانه جاسوسی آمریکا تسخیر شد، رفیق مالک در محله خود به روشنگری و دفاع از این عمل انقلابی پرداخت. در دوران طافوت، رفیق مالک به خدمت سربازی رفت. او می‌گفت: «اگر یکروز قرار شود مرا بخدمت ببرند، آنروز حتما انگشت سیابه دست راستم را قطع می‌کنم. من برای حفظ نظام این سنگ زنجیری آمریکا، حتی یک

بر خورد خصمانه...

از ۲ سال پشتیبانی صادقانه، صمیمانه و فداکارانه حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب، حزبی که گروهی از بهترین فرزندان آن در جبهه جنگ عادلانه در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شهید شده‌اند، ایستاد. اتهاماتی چون «توطئه‌گر»، «توکر» و «وابسته» به حزب توده ایران، تنها می‌تواند عجیب و شگفت‌آور باشد.

اسفناگیز است، زیرا تنظیم‌کنندگان قطعنامه، درست در زمانیکه اتحاد کلیه نیروهای مدافع انقلاب برای مقابله با توطئه‌های رنگارنگ دشمنان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم، پسرکردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش، به ضرورتی حیاتی بدل شده است، زبانها و قلم‌های خود را علیه حزب توده ایران متوجه ساخته‌اند.

چنین برخوردی، آگاهانه یا ناآگاهانه، خواه‌ناخواه بسود ضد انقلاب است. ما ضمن اعتراض شدید به این برخورد غیرمسئولانه و غیر-عادلانه، امیدواریم که تنظیم‌کنندگان قطعنامه، با احساس مسئولیت و هشاری، یا این تذکرات روبرو شوند.

بقیه از صفحه ۹

و تاسف نداشت، زیرا روش‌طبیعی کسانی که برای سازش با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و اعاده دوران خیانت و غارت و جنایت پیشین تلاش می‌کنند، علیه حزب توده ایران، که ۴۰ سال است علیه تلاشهای امپریالیستی و وابستگی داخلی آنها می‌رزمند، جز این نبوده و نخواهد بود. اما اگر تنظیم‌کنندگان قطعنامه خود مسلمانان مبارزی باشند که به پیروی از خط سازش‌ناپذیر امام خمینی در مقابل نقشه‌های شیطان و خائنه امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش ایستاده‌اند و در راه استقلال و آزادی ایران و بسود منافع مردم رنجیده و مستضعف گام بر میدارند، باید گفت که این برخورد نه تنها طبیعی و منطقی نیست، بلکه شگفت‌آور و اسفناپس است، بیعدالتی و بی-انصافی است.

شگفت‌آور است، زیرا این اظهارات دو سال پس از پیروزی انقلاب مطرح میشود، و اگر در بدو پیروزی، وجود ۳۷ سال تبلیغات ساواک و سیا و رژیم منفور پهلوی، می‌توانست توجیه‌کننده سوءتفاهات و بدبینی‌های مسلمانان مبارز نسبت به حزب توده ایران باشد، اکنون و پس

موسسگر دیده شهادت می‌رسد. همراه وسائل رفیق، که به خانواده‌اش تحویل میدهند، شماره ۴۱۵ نامه «مردم» نیز بچشم می‌خورد. خبر شهادت رفیق مالک الهی در میان مردم محله‌اش در عین آنکه گردی از غم و ماتم پاشید، عزم و اراده آنها را برای مقابله با دشمنان انقلاب استوارتر کرد. مردم برای بدرقه دوست شهیدشان مراسم پرسکوهی برپا کردند و پیکر گلگون‌رفیق مالک بر دستان پینه‌بسته زحمتکشانی که دوشادوش آنها برای پیروزی انقلاب جنگیده بود، در سرمای زمستان ۵۷، نفت به خانه‌هاشان برده بود، درد دل‌های آنها را با جانش شنیده بود و غمخوار آنها بود، پس از طواف در دانشگاه، پس از مراسم نماز جمعه، پسوی بهشت‌زها روان شد. آنها شمار میدادند:

مالک پیر ماست، خمینی رهبر ماست، آمریکا دشمن ماست. در این مراسم، رفیق کیومرث ژورناس، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز حضور داشت. در مراسم یخاک سپردن رفیق شهید، برادرش طی سخنانی از جمله گفت: «آمریکا باید بداند که امروز خلق ما متحد و یکپارچه تحت رهبری امام خمینی تصمیم دارد تا آخرین نفس از استقلال، آزادی و شرف و حیثیت خود، از جمهوری اسلامی نوای خود دفاع کند.» پدر رنج‌دیده و داغدار رفیق شهید نیز در میان جمعیت گفت:

«مالک مال من نبود، مال همه بود. ما خیلی از این جوانها در سنگرها داریم و آمریکا و دیگران باید بدانند که ما تا آخرین نفس و قطره خون، فرمان امام خمینی از این میهن دفاع می‌کنیم... این بزرگترین افتخار برای يك پدر است که چنین فرزندی داشته باشد...»

رفیق شهید توده‌ای، مالک الهی، کارگر شرکت آسانسور سازی ایران شیندلر، در نامه‌ای از بوشهر، به پدرش نوشته بود: «رفیق! و نوی گسروه، بسج اسم نوشته‌ام! و قرار است که ما را بفرستند به جبهه برای دفاع از کشور و خوشحالم از اینکه می‌توانم سهمی هم در دفاع از انقلاب داشته‌ام! - و کشور ایران داشته باشم و تنها خواهشی که دارم پدر، اینست که بعد از مرگ من برای من عزای نگیرید و خوشحال باشید که فرزندت با افتخار در راه دفاع از انقلاب و کشورش شهید شده است.»

رفیق شهید مالک الهی، فرزند زحمتکشی از تبار کار و زحمت بود که از میان مردم برخاست، با آنها علیه جابریان و غارتگران رژیم و سرانجام خون‌پاک خود را نثار نهال انقلاب بزرگ مردم کرد. این راه و رسم همه توده‌ای‌هاست.

در نبردهای ...

های دشمن که در ناحیه نبرد واقع شده بودند و همچنین يك سنگر اجتماعی دشمن نابود شدند.

گیلانغرب: پیشروی

رزمندگان انقلاب بر طبق گزارش دیگر خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه گیلانغرب، در یکی از محورها، ۲ خودروی متجاوزین برآتر برخورد با مین منهدم شد. طبق گفته فرماندهان عملیات گیلانغرب، در این جبهه پیشرفتهای قابل توجهی صورت گرفته است. در ۲ روز گذشته در آن نبرد بی‌امان رزمندگان انقلاب، حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از تجاوزگران صدامی کشته شدند و ۲ دستگاه تفنگ ۱۰۶ میلیمتری آنان منهدم شد. فرمانده عملیاتی گیلانغرب دربار نبرد ۳ روز گذشته گفت: «طی این مدت در یکی از مواضع باستراتژیک دشمن، ۱۶ سنگر نیروهای دشمن به تصرف ما درآمده است.»

بقیه از صفحه ۹

توانک متجاوزین منهدم شد. همچنین فدائیان اسلام با اجرای آتش خمپاره بر مواضع دشمن، ۷ سنگر اجتماعی و دیده‌بانی، يك انبار مسجات و يك خودروی فرماندهی متجاوزین را در میدان تیر آبادان منهدم کردند. طی این عملیات، ۵۰ تن از تجاوزگران کشته و یا زخمی شدند. برپایه همین گزارش با آتش توپخانه و خمپاره‌انداز رزمندگان انقلاب در آبادان، پریشب (۲۹ بهمن) يك دکلدیده‌بانی و تعدادی از مخازن پالایشگاه شهر فو عراق در آن سوی اروند رود منهدم شد.

طبق اطلاع يك منبع موثق در اروندکنار آبادان، يك گروه از دلاوران پاسدار با سلاحهای سبک در نوار مرزی «نهر قوچ» آورندکنار، به قوای متجاوز دشمن حمله بردند که در نتیجه آن، بخشهایی از اسکله چهارچراغ واقع در منطقه المعامر عراق و قسمتهایی از يك کشتی عراقی منهدم شده و تعدادی از خودرو-

مابه آقای بنی صدر، که اینقدر از «آزادی» سخن میگویند، برای چندهمین بار پیشنهاد میکنیم که با ما مناظره بنشینند!

از: **رفیق نورالدین کیانوری**

به خاطر آن میلیاردهایی بود که رژیم شاه به آنها می بخشید و حالا که این حاتم بخشی ها تمام شده است، می روند جای دیگر، بنابراین در اینجا هم پیش بینی ما درست درآمد. در عوض، کسانی که مدت ها برای "حفظ استقلال ایران" به "جهان ی دیگر چشم دوخته بودند، مورد استیضاح قرار گرفتند. خوب، ما به اینها این حق را می دهیم که هفت، هشت، ده تا فحش آبدار دیگر هم نثار حزب توده ایران بکنند. اما این دشنام گویی هر قدر هم که از تریبون بالا و ظاهراً مقتدرانه بعمل آید، از موضع ضعف و در واقع اذعان به شکست نظرات نادرستی است، که مدت ها از آن دفاع می شده است.

باین ترتیب، ما معتقدیم راهی را که در پیش گرفته ایم، به هیچ وجه راه تقویت استبداد، زورگویی و قانون شکنی نیست. تمام مبارزات ما و بیانات ما چنین ادعایی را نمی کند. راهی که ما در پیش گرفته ایم، دو سرمنزل دارد: کسب استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا و تامین خواست های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محرومان جامعه ما از راه غلبه بر سلطه بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران.

این دو سرمنزلی است که ما چهل سال است، برای رسیدن به آن مبارزه میکنیم و بیست سال پیش از آن هم نخستین کومنیست های ایرانی در راه آن مبارزه میکردند. ما این مبارزه را ادامه خواهیم داد و هر برجسی هم به ما زده شود، بالاخره به خود برجس زندگان برمیگردد. آنهایی که از "خیانت" ما درسی سال پیش صحبت میکنند، مثل اینکه همین ملاقات یکسال پیش با برزیلکی یادشان رفته است. اما آقای ریگان اعلام نکرده است که امپریالیسم آمریکا در ایران "منافع" حیاتی دارد و برای حفظ این منافع حیاتی خواهان روی کار آمدن دولتی "میانرو" است؟ مگر همین "میانروها" نبودند که با آقای برزیلکی به صحبت نشستند؟ اگر دولتی که پس از ۲۸ مرداد به روی کار آمد، وظیفه اش تامین "منافع" حیاتی امپریالیسم آمریکا نبود؟ مگر از نظر ماهوی فرق میکند که این دولت یکتاج الماسی سرش باشد، یا ریش داشته باشد و تسبیحی به دست؟

آنهایی که ما را به مخالفت با آزادی و کوشش برای استقرار استبداد متهم می کنند، نمی بینند که انحصار طلبان راست حاکمیت کتونی در روزنامه های خود شدیدترین حملات را به ما میکنند، کتاب های ما را میسوزانند و دفاتر ما را غارت می کنند؟ در حالیکه ما با بسیاری از آنها در مسائل مربوط به مبارزه علیه امپریالیسم، کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی اختلاف جدی نداریم. اما همانطور که بارها گفته ایم، چون معیار اساسی ما مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری و فئودالیسم است، مبارزه با این افرایطون را هم تابع مبارزه اصلی خود میدانیم و بنوعی خود به فحاشی دست نمی زنیم.

در روزها و هفته های آینده شما در روزنامه و نشریات حزب به جنبه های نادرستی، که آقای بنی صدر در صحبت های دیروز خود به حزب توده ایران تاریخ جنبش هواداران سوسیالیسم علمی نسبت داده است، خواهیم پرداخت البته همانطور که گفتیم، بخلاف آقای رئیس جمهور، امکانات ما در این زمینه محدود است و رادیو و تلویزیون در اختیار ما نیست.

چیزی که باعث تأسف ما است، طبعی است که آقای بنی صدر در آن قرار گرفته است: لیبرال ها، ملت مسلمانی ها، سرمایه داران بازار، مائوئیست های آمریکایی، "رنجبر" ها، کاشی آقای بنی صدر، بجای آنکه در این طیف مخالف ستکریبھی اساسی انقلاب شکوهمند ایران قرار بگیرد، در چارچوب تامین آزادی واقعی برای محرومان جامعه قرار میگرفت در آن صورت، هم موفقیت او به مراتب بیشتر می بود و هم میتوانست قدم های اساسی تری در راه تثبیت و گسترش انقلاب بردارد.

البته کمینکست که در شرایط بسیار نامساعد ستکریبھی اساسی انقلاب مسخ شود و ایران راهی را مانند پرتغال طی کند، چنانکه دیدیم در این کشور راستگرایان گام به گام انقلاب این کشور را به شکست کشاندند. اما آنچه مسلم است، در تاریخ پرتغال از اینان جز نامی ننگین باقی نخواهد ماند. مسلمانانی که در ایران هم میخواهند چنین راهی را بروند، نصیبانی نیش از این نخواهد بود.

تاریخ آینده ایران نشان خواهد داد که اظهارات و ارزیابی های دیروز آقای بنی صدر کاملاً نادرست بوده است. من در اینجا فقط گفته مصروف فیدل کاسترو را پس از نخستین سفرش به اتحاد شوروی در مینینگ بزرگی در هاوانا یادآور میشوم. فیدل کاسترو خطاب به مائوئیست ها و سایر خائنین به طبقه کارگر، که هر چه از دستشان برمی آید به اتحاد شوروی اتمام میزند گفت که تاریخ از هر دروغی نیرومندتر است. او یادآور شد که هیچ کس به اندازه فاشیست های آلمانی در باره کمونیست ها و اتحاد شوروی دروغ خلق و پخش نکرد. نازی ها در این زمینه رکورد جهانی را شکستند. اما تاریخ بالاخره بر همه این دروغ ها غلبه کرد و امروز در همان برلین، یعنی مرکز سابق دروغ سازی فاشیست ها، پرچم نخستین کشور سوسیالیستی آلمان در اهتزاز است.

در روم باستانی هم مدت ها اسپارتاکوس را به عنوان یک یاغی جنایتکار معرفی میکردند، ولی تاریخ به تدریج تمام آن لجنی را که طبقات حاکم روی نبرد تاریخی بردگان روم ریخته بودند، پاک کرد و چهره واقعی اسپارتاکوس را به عنوان قهرمانی بزرگ ثبت کرد. عین این جریان در مورد انقلاب کبیر فرانسه تکرار شد.

در این زمینه ایران هم به هیچ وجه استثنایی نیست. شاه و ساواک سی سال روی حزب توده ایران لجن پاشیدند. ملی گرایان آمریکا زده و سازشکار هم این حرف های لجن را بخاطر پوشاندن جنایات آمریکا تکرار کردند و میکنند. اما حالای بنیم که واقعیات یواش یواش از زمین جوانه می زنند و رشد میکنند. تاریخ بالاخره ماهیت دروغ ها و افتراهای محافل ارتجاعی و سازشکار را نشان خواهد داد. ما از این بابت کاملاً مطمئن هستیم و به همین جهت در قبال برخورد های امثال آقای بنی صدر خونسردی خود را حفظ خواهیم کرد. این چیزی است قانونمندان. در مورد آقای قطب زاده هم وقتی نقش سیاست زیان بخش نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فاش شد، دیگر ترمز از دهان و زبان برداشته شد و هر چه فقط شایسته خود او و همیالکی هایش بود، در باره حزب توده ایران به زبان آورد. البته ما در فحاشی اصلاً به پای امثال آقای قطب زاده نمی رسیم. آنها در این زمینه استاد هستند و ما شاگردانی بسیاری استعداد این را باید اعتراف کنیم. اما آنهایی که چنین به ما دشنام میدهند، خود شایسته این دشنام ها هستند. بقول معروف، از کوزه همان برون تراود که در اوست.

ما در عین آنکه به آینده جنبش انقلابی ایران کاملاً خوشبین هستیم، منکر خطرهای سهمگینی برای انقلاب ایران نیستیم. اما، ما به سهم خود خواهیم کوشید که ضد انقلاب را چه بصورت خزنده و چه به شکل برنده دردم شکنیم. امید ما اینست که دیگر نیروهای انقلابی نیز چنین کنند. باید از دستاوردهای انقلاب در برابر توطئه های جبهه براندازی که "رنجبر" اجزاء آنرا خوب تشریح کرده است، با دل و جان دفاع برخاست و این دسیسه ها را با شکست و ناگامی روبرو ساخت.

ما در عین آنکه به آینده جنبش انقلابی ایران کاملاً خوشبین هستیم، منکر خطرهای سهمگینی برای انقلاب ایران نیستیم. اما، ما به سهم خود خواهیم کوشید که ضد انقلاب را چه بصورت خزنده و چه به شکل برنده دردم شکنیم. امید ما اینست که دیگر نیروهای انقلابی نیز چنین کنند. باید از دستاوردهای انقلاب در برابر توطئه های جبهه براندازی که "رنجبر" اجزاء آنرا خوب تشریح کرده است، با دل و جان دفاع برخاست و این دسیسه ها را با شکست و ناگامی روبرو ساخت.

ما در عین آنکه به آینده جنبش انقلابی ایران کاملاً خوشبین هستیم، منکر خطرهای سهمگینی برای انقلاب ایران نیستیم. اما، ما به سهم خود خواهیم کوشید که ضد انقلاب را چه بصورت خزنده و چه به شکل برنده دردم شکنیم. امید ما اینست که دیگر نیروهای انقلابی نیز چنین کنند. باید از دستاوردهای انقلاب در برابر توطئه های جبهه براندازی که "رنجبر" اجزاء آنرا خوب تشریح کرده است، با دل و جان دفاع برخاست و این دسیسه ها را با شکست و ناگامی روبرو ساخت.

ما در عین آنکه به آینده جنبش انقلابی ایران کاملاً خوشبین هستیم، منکر خطرهای سهمگینی برای انقلاب ایران نیستیم. اما، ما به سهم خود خواهیم کوشید که ضد انقلاب را چه بصورت خزنده و چه به شکل برنده دردم شکنیم. امید ما اینست که دیگر نیروهای انقلابی نیز چنین کنند. باید از دستاوردهای انقلاب در برابر توطئه های جبهه براندازی که "رنجبر" اجزاء آنرا خوب تشریح کرده است، با دل و جان دفاع برخاست و این دسیسه ها را با شکست و ناگامی روبرو ساخت.

ما در عین آنکه به آینده جنبش انقلابی ایران کاملاً خوشبین هستیم، منکر خطرهای سهمگینی برای انقلاب ایران نیستیم. اما، ما به سهم خود خواهیم کوشید که ضد انقلاب را چه بصورت خزنده و چه به شکل برنده دردم شکنیم. امید ما اینست که دیگر نیروهای انقلابی نیز چنین کنند. باید از دستاوردهای انقلاب در برابر توطئه های جبهه براندازی که "رنجبر" اجزاء آنرا خوب تشریح کرده است، با دل و جان دفاع برخاست و این دسیسه ها را با شکست و ناگامی روبرو ساخت.

چه شباهتی بین محتوی مقالات این روزنامه و مضمون حرف های آقای بنی صدر دیده می شود! در هر دو از خطر وابستگی به "روس" (مقصود اتحاد شوروی است)، تجزیه کشور، "مستبدین حاکم وابسته به برادرت روس"، "خطر حزب توده"، "بحران اقتصادی" و "ضرورت استقامت و مقاومت" صحبت می کنند. جل الخالق!

آقای بنی صدر "دلسوزانه" از ما می پرسد: شما که سی سال در مهاجرت بوده اید و همیشه توری خورده اید از آزادی چه عیبی دیده اید، که حال مخالف آن هستید!

این دیگر واقعاً شاهکار است که حزب توده ایران را متهم به مخالفت با آزادی بکنند. اینجا فقط می توان خندید! آقای بنی صدر، حزب توده ایران در حالیکه تقریباً از دوران تاسیس خود هیچگاه از آزادی برخوردار نبوده است، چهل سال است که برای آزادی مبارزه می کند، آنهم نه برای خود، بلکه برای محرومان جامعه ما. آن هم نه فقط در حرف، بلکه در مبارزه های فداکارانه و جاننازانه. آن وقت شما به ما اتهام می زنید که می خواهیم از طریق مخالفان شما استبداد برقرار کنیم؟ در این زمینه، یکی از طرفداران مجاهدین خلق به ما نامه ای نوشته واز ما ایراد گرفته است که چرا سازمان مجاهدین خلق را این روزها مورد انتقاد شدید قرار داده ایم؟ وی استدلال می کند که اگر این سازمان و سازمان های مشابه در هم شکسته شوند، اولین سازمانی که غیرقانونی اعلام خواهد شد، حزب توده ایران خواهد بود. کاری به این نداریم که آیا توجیه این هواداران سازمان مجاهدین خلق درست است، اما در این گفته واقعی است که حزب توده ایران همیشه اولین طعمه امپریالیسم و استبداد بوده است و خواهد بود. این اتهام که حزب توده ایران مخالف با آزادی است، با از روی بدخواهی

- * چگونه به در گفته میشود، تا دیوار بشود!
- * برای قضاوت در باره انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، دست یادمان روزنامه های پسواری پاریس شوید!
- * واقعیات نشان داده است که حزب توده ایران هم علم دارد و هم اخلاق!
- * شباهت میان حرف های آقای بنی صدر و «رنجبر» تاسف اور و تعجب انگیز است!
- * چگونه «سجده های» و «هوداران تحکیم مناسبات با فرانسه» از آمدنش، مفتضح شدند!
- * دشنام گویی از تریبون رسمی، نشانه قدرت است!
- * چگونه کسانی که ما را «خائن»، معرفی میکنند، خود به خیانت پیشبرد «منافع حیاتی» آمریکایتان در میدهند!
- * تاریخ از هر دروغی نیرومندتر است!
- * ما در فحاشی شاگردان بی استعدادی هستیم!

است و یا جهل مطلق. ما این پیش بینی را کرده ایم که در شرایط مشخص اجتماعی منکست همین نیروهای، که ما از آن ها پشتیبانی می کنیم و اینک با آن ها علیه امپریالیسم مبارزه مشترک داریم، در صورت تفوق جناح های انحصار طلب، برخی محدودیت ها را نیز برای آزادی های دموکراتیک بوجود آورند.

در اینجا می شود به نمونه های اسرائیل و یونان از یک طرف و الجزایر و لیبی از طرف دیگر اشاره کرد. در یونان ظاهر دموکراسی بورژوازی تا حدی رعایت می شود، ولی رژیم این کشور از نظر سیاسی-اجتماعی وابسته به امپریالیسم است. در اسرائیل، حزب کمونیست آزاد است و حتی در پارلمان هم نماینده دارد، ولی حکومت این کشور، حکومتی چارپوشیستی است، نه تنها برای یهودی های اسرائیل، بلکه برای شماره های عظیم از خلق عرب، که اکنون زیر سلطه این رژیم قرار گرفته اند. از سوی دیگر در الجزایر و لیبی با آن که یک سلسله محدودیت ها در زمینه آزادی های دموکراتیک وجود دارد، ولی موضع گیری دولت های این دو کشور ضد امپریالیستی است. برای ما هم مبارزه علیه امپریالیسم است، که اولویت دارد. با اینکه ما در درجه اول علیه امپریالیسم آمریکا در مبارزه هستیم، امپریالیست ها از نظر ماهوی برایمان فرقی ندارند. حال چه امپریالیسم فرانسه باشد، چه ژاپن، چه انگلستان و حتی آلمان غربی.

زمانی مائوئیست ها، "سه جهانی ها" و "انقلاب اسلامی"، که می دیدند امپریالیسم آمریکا خیلی مفتضح شده است، خیلی سنگ تحکیم مناسبات ما را با اروپای غربی و ژاپن به سینه می زدند. افشاگری های اخیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نشان داد که اتفاقاً این خواست آمریکا بود که حالا که آمریکا نمی توانست بطور رسمی از "دولت موقت" پشتیبانی کند، دولت دیگری، یعنی فرانسه این وظیفه را بعهده بگیرد. ما از ابتدا این توطئه را شناختیم و آن را افشا کردیم. حزب توده ایران نشان داد که دست دراز کردن به سوی امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن نه تنها استقلال ایران را تحکیم نمی کند، بلکه پوششی است برای حفظ مناسبات با امپریالیسم جهانی. کسانی بودند که می خواستند از این جهت که امام مدتی در فرانسه در مهاجرت به سر می برد، این نتیجه گیری را بکنند، که گویا فرانسه آزادمنش است، فرانسه آزادی خواه است و فرانسه هوادار مبارزات خلق ها است! آنها قصد داشتند که با فرانسه روابط نزدیک اقتصادی برقرار و برای انحصارات فرانسه جای پای قرضی در ایران بسازند. این ها حتی برای خرید اسلحه از فرانسه نمایندگانی را هم به آن کشور فرستادند. اما پس از اشغال "جاسوسخانه" و تشدید فشار امپریالیسم آمریکا و متحدانش، از جمله امپریالیسم فرانسه به ایران معلوم شد که خیر امپریالیسم فرانسه هیچ تفاوت کیفی با امپریالیسم آمریکا ندارد. پس از شروع جنگ تحمیلی در او روسته صدام حسین با ایران هم دیدیم که این فرانسه "آزاد-منش" نه تنها قیافه بیطرفی هم بخود نمی گیرد، بلکه علناً "وگستاخانه" به رژیم تجاوزکار عراق اسلحه می دهد و از تحویل کشتی های سفارشی ایران که پول آن را هم وصول کرده است، سر باز می زند همه برو بیاهای مخفی دولتمردان مامم برای "تصیحت" به فرانسه با عدم موفقیت مطلق روبرو شد و دولت فرانسه به آنها فهماند که "دوستی" فرانسوی ها با ایران تنها

س: انتظار می رفت که آقای رئیس جمهور در سخنرانی دومین سالگرد انقلاب، به دستاوردهای انقلاب، فداکاری های رزمندگان جبهه های جنگ، برنامه های آینده رژیم - از جمله اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی، تحدید غارت سرمایه داری و مقابله با ضد انقلاب و بویژه با امپریالیسم آمریکا، که می خواهد انقلاب را با شکست روبرو کند - بپردازد. آقای بنی صدر نه تنها در این باره تقریباً صحبتی نکرد، بلکه حزب توده ایران را بطور بی سابقه مورد حمله قرار داد. بطوریکه رادیوهای امپریالیستی از جمله "رادیو کلن" از این سخنرانی با شور و هیجان فراوان یاد و تقریباً همه دشنام های او را به حزب توده ایران گزارش دادند. نظر شما در این باره چیست؟

همانطور که سؤال کننده یادآور شده است، آقای بنی صدر در این سخنرانی انتظار بخش عظیمی از مردم ایران را برآورده نکرد. ند. این سخنرانی به خلاف رهنمود های امام خمینی بود که لازمست مسائل مورد اختلاف را در بحث ها محدود کرد، آنها را به خیابان و میدان نکشید، برای حل آنها کوشش مکرر بعمل آورد و مردم را مایوس نکرد. اما برعکس آقای بنی صدر، طبق شیوه همیشگی خود، باز هم مسائلی را، که بارها و بارها تکرار کرده است، به زبان آورد، البته این بار در لفاظی جدید. به این معنی که این بار "به در گفت، تا دیوار بشود". یعنی مخاطب اصلی او باز هم دولت و اکثریت نمایندگان مجلس بودند، که آقای بنی صدر آنها را طرفدار خط سیاسی خود نمی داند و نه حزب توده ایران (برای درک این واقعی لازم نیست زیاد به مضمون خود فشار آورد!

مقدار زیادی از صحبت های آقای بنی صدر همان چیزهایی است، که "انقلاب اسلامی"، "رنجبر" و دیگر روزنامه های مائوئیستی هر روز به خورد مردم می دهند و در واقع چیزی جز تکرار اتهامات، افترا و دروغ - های "ساواک" و وزده های "جبهه ملی" در سی سال اخیر نیست. این ها برای آن که ضعف و خیانت بزرگ خود را به جنبش و انقلاب ایران بیوشانند و آمریکا و انگلستان، یعنی سازمان دهندگان کودتای ۲۸ مرداد را از زیر ضربه خارج کنند، به حزب توده ایران حمله می کنند!

مقالات متعدد دیگر، جواب داده ایم. ولی خوب مثل این که آقای بنی صدر وقت خواندن این چیزها را ندارد و فقط از طریق آنچه همکاران برای او خلاصه می کنند، با مسائل مختلف آشنا می شود. وگرنه بعید بنظر می رسد، کسی که اینقدر تظاهر به "علم" و "تحقیق" و "واقع بینی" می کند، ایسن حقایق را بکلی شنیده بگیرد.

آقای بنی صدر حتی وقتی که می خواهد درباره انقلاب اکتبر قضاوت کند، دست بدامن مبتذل ترین روزنامه های بولواوی پاریس می شود! معلوم نیست این مزخرفات درباره این که استالین یک نسخه "پراودا" را فقط برای آن که روی میز لنین بگذارد چاپ کرد، از دکان کدام عطار درآمده است، که آقای بنی صدر در چنان روز بزرگ و تاریخی این برت و بلاهارا بخورد مردم ایران می دهد!

درباره اصطلاح "القاء ایدئولوژی" هم ما به اندازه کافی جواب داده ایم. در این جا فقط یادآور می شویم که در طول تاریخ، این فقط زور-مدنان بوده اند، که "القاء ایدئولوژی" کرده اند. وگرنه محرومان که چنین امکانی را ندارند. علاوه بر این، طبقات استعمارگر حاکم به منافع خود خوب آگاهی دارند، به سرمایه دار لازم نیست گفته شود چطور از یک شاهی دو تومان درست کند!

آقای بنی صدر ما را متهم کرده است که حزب توده ایران با همه "امکانات" خود طیف وسیعی از دولتمردان ایران را، که در جهت مخالف او قرار گرفته اند، "القاء ایدئولوژی" می کند. در اینجا کافی است که امکانات محدود ما با امکانات وسیع آقای بنی صدر مقایسه شود. آقای بنی صدر خوب می داند که ما در زمینه تبلیغاتی تقریباً چیزی جز نام "مردم"، آن هم با تیراژی محدود نداریم. خوب، خوانندگان نام "مردم" معمولاً به خلاف خریداران روزنامه "انقلاب اسلامی" افراد مرفه الحالی نیستند. بنابراین ممکنست که تعداد خوانندگان آن سه چهار برابر تیراژ آن باشد. در حالی که خود آقای بنی صدر ادعا کرده است که "انقلاب اسلامی" دویست سیصد هزار تیراژ دارد. علاوه بر این رادیو و تلویزیون هم که با تمام امکاناتش در اختیار آقای رئیس جمهور است. آقای بنی صدر در هر گوشه ای از کشور که صحبت بکند، حرف هایش در رادیو و تلویزیون در سراسر ایران پخش می شود. او می تواند هر چه دلش می خواهد یک طرفه بگوید و از طرف ما کسی نیست که به او جواب بدهد.

ما ده ها بار از آقای بنی صدر تقاضا کرده ایم که بیاید با ما مناظره و بحث بنشیند و در اینجا هم بار دیگر این پیشنهاد را تکرار می کنیم. شما که ما را به همه چیز متهم می کنید، بیایید و با هم صحبت کنیم. اگر نمی خواهید این صحبت جلوی همه مردم باشد، نوار آنها را تهیه می کنیم. ما عین صحبت های شما را در نامه "مردم" درج میکنیم و شما جواب ما را در "انقلاب اسلامی". شما که خود را اینقدر طرفدار برابری و آزادی معرفی می کنید، قاعدتاً با این پیشنهاد نباید مخالفتی داشته باشید!

اگر یادتان باشد، پیش از اینکه رئیس جمهوری بشوید، قرار بود در جلسه ای دانشگاهی میان شما و یکی از نمایندگان ما مناظره ای بشود، ولی شما قبل از تشکیل جلسه پشیمان شدید!

بیایید و بجای فحش های رکیک و با امکانات وسیعی، که در اختیار-تان هست این آزمایش را این بار عملی کنیم. شما که این قدر به صحت حرف های خود اعتقاد دارید، نباید از این بابت هراسی بدل راه بدهید. یا این که فکر می کنید در حرف های ما نیروی سحر آسای هست، که با وجود همه امکانات محدود ما از سد آهنگین نظرات فلسفی-ایدئولوژیک-مذهبی دیگران می گذرد، نیروهای دیگر را القاء می کند و انقلاب را به خطر می اندازد! بنظر ما، خود آقای بنی صدر هم به این حرف ها اعتقاد ندارد!

آقای بنی صدر ادعا می کند که گویا توده های ما نه علم دارند، نه اخلاق! اما واقعی آنستکه ما با علم خود خیلی از پدیده های کنونی روند انقلاب را توانستیم پیش بینی کنیم. مثلاً ما بیش از دوسال پیش بدورستی پیش بینی کردیم که با تحول انقلاب، گروه های وابسته به سرمایه داری به سوی سازش با آمریکا خواهند رفت - همان هایی که نمایندگان به اصطلاح "میانرو" آن ها، ریگان آرزوی به قدرت رساندنشان را در سر می پرورد و می خواهد برایشان کابینه تشکیل بدهد و خود را از "شر آخوند ها" خلاص کند! این قضاوت را ما همچنین هنگامی کردیم که دولت "گام به گام" لیبرال در اوج اعتبار و نفوذ خود بود و مهم تر از همه، از اعتبار و نفوذ امام خمینی، رهبر انقلاب، سوء استفاده می کرد. از طرف دیگر، این مسا بودیم که پیش بینی کردیم، که همه نیروهای ضد امپریالیستی، خلقی و طرفدار تغییرات بنیادی به سود محرومان جامعه در جبهه های متحد گرد خواهند آمد - جبهه های که عملاً دارد تشکیل می شود. اینها غیب گویی نبوده، بلکه براساس علم بوده است!

الان روزنامه "رنجبر" ۱۶ بهمن جلوی من است، یعنی روزنامه ای که شش روز قبل از سخنرانی آقای بنی صدر درآمده است. آدم تعجب می کند

اگر یادتان باشد، پیش از اینکه رئیس جمهوری بشوید، قرار بود در جلسه ای دانشگاهی میان شما و یکی از نمایندگان ما مناظره ای بشود، ولی شما قبل از تشکیل جلسه پشیمان شدید!

بیایید و بجای فحش های رکیک و با امکانات وسیعی، که در اختیار-تان هست این آزمایش را این بار عملی کنیم. شما که این قدر به صحت حرف های خود اعتقاد دارید، نباید از این بابت هراسی بدل راه بدهید. یا این که فکر می کنید در حرف های ما نیروی سحر آسای هست، که با وجود همه امکانات محدود ما از سد آهنگین نظرات فلسفی-ایدئولوژیک-مذهبی دیگران می گذرد، نیروهای دیگر را القاء می کند و انقلاب را به خطر می اندازد! بنظر ما، خود آقای بنی صدر هم به این حرف ها اعتقاد ندارد!

آقای بنی صدر ادعا می کند که گویا توده های ما نه علم دارند، نه اخلاق! اما واقعی آنستکه ما با علم خود خیلی از پدیده های کنونی روند انقلاب را توانستیم پیش بینی کنیم. مثلاً ما بیش از دوسال پیش بدورستی پیش بینی کردیم که با تحول انقلاب، گروه های وابسته به سرمایه داری به سوی سازش با آمریکا خواهند رفت - همان هایی که نمایندگان به اصطلاح "میانرو" آن ها، ریگان آرزوی به قدرت رساندنشان را در سر می پرورد و می خواهد برایشان کابینه تشکیل بدهد و خود را از "شر آخوند ها" خلاص کند! این قضاوت را ما همچنین هنگامی کردیم که دولت "گام به گام" لیبرال در اوج اعتبار و نفوذ خود بود و مهم تر از همه، از اعتبار و نفوذ امام خمینی، رهبر انقلاب، سوء استفاده می کرد. از طرف دیگر، این مسا بودیم که پیش بینی کردیم، که همه نیروهای ضد امپریالیستی، خلقی و طرفدار تغییرات بنیادی به سود محرومان جامعه در جبهه های متحد گرد خواهند آمد - جبهه های که عملاً دارد تشکیل می شود. اینها غیب گویی نبوده، بلکه براساس علم بوده است!

کار می‌کنند، تا تولید بیشتر و بیشتر • می‌جنگند، تا نابودی دشمنان انقلاب

لاله‌های سرخ انقلاب



کارگر شهید محمد کسروی

کارگر کیان تایر، ۲۷ ساله، ماهر، دارای دوفوزند، داوطلبانه به جبهه رفت و در اواسط دی ماه ۵۹، در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید.

راهی گوی پیمود، حق بود و پیروزی با اوست.

جاودان باد خاطرۀ تابناک کارگران شهید شرکت ملی حفاری ایران

نازنین وطن! ای قبله‌گاه عشق آتشین دل‌های طینه‌امباد آن روز که دست بلیدنا یا کان عصمت و الایت را بیالاید. مباد که من زنده بمانم و خاک عزیزت جولانگاه فرومایگان ضدانقلاب شود.

کارگران شرکت ملی حفاری همچون دیگر کارگران ایران، علیه امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا می‌جنگند، بویژه که اینان از زمره کارگرانی هستند که سالها جنگال کربیه شیطان بزرگ را بر گوشت و پوست و استخوان و روح خود از نزدیک احساس کرده‌اند.

کارگران حفاری از ابتدای جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه میهن انقلابی، در همه عرصه‌ها جانفشانی کردند. از ستادهای کمک رسانی و سمپاشی و ضد عینی کردن مناطق برازند تا تعمیر و ترمیم وسائل ارتعمیر و رویارویی با دشمن در جبهه، در همه جا حضور داشتند و چون قلبهای پاک می‌تپیدند و می‌تپند، بعضی (که به حکم امام خمینی شهراترک نکردند) همیشه حضور داشتند (همراه با خانواده، در ارتش توبو و خمپاره‌ها را خویشتن را اهدا کردند) تعدادی در جاده‌های جبهه، و سایر کارگران در قلب جبهه‌ها نبرد رویارویی. شهادت: علی‌داد سالاری، عنایت اله‌رئسی، عبدالساده نبگانی، نوروز علی صفائی، محمد مهدی خوش‌مفا، هوشنگ فتجی، بهمن جها نثیری و دیدال حسن وندگندانی دسته‌گل خویش شرکت ملی حفاری ایران را تشکیل می‌دهند.

نامشان جاودانه و یادشان گرامی باد!

آن که کار می‌کند و آن که در جبهه است، هر دو بخاطر انقلاب می‌جنگند.

کارگران سخن می‌گویند

امپریالیسم آمریکا به همراه رژیم جنایتکار صدام و سایر کشورهای مرتجع منطقه و ساکن ستون پنجم خود در داخل ایران، مصداق درک انقلاب ما را ساکنس مواجه سازد، از این رو دایم‌نامه حیلۀ جدیدی متوسل می‌شود. با اینکه تابحال سنسار صدهای تجا و زکارانه‌هاست، همانا می‌گراییده‌است، ولی اودس بردار نیست و همچنان در تلاش برای بیاده کردن نقشه نغم خودسر می‌برد.

در این میان مردم قهرمان ایران و در سانس آنها طغنه

داوطلبان، در محوطه موسسه سرم و واکنس سازی را زی، مستقر شد. در این دوروز چنان استقبالی از جانب کارکنان موسسه بعمل آمد که ما موران خونگیری را دچار حیرت کرده بود.

کارکنان شریف و زحمتکش موسسه سرم سازی که امکان ایثار خون در جبهه را نداشتند، با اهدای خون خود در پشت جبهه کمک مجروحین جنگ ستافتند.

گران

سندیکای کارگران شیلات ناحیه ۴ گرگان - حریبه آشوراده

تهران، این رزمندگان کار و پیکار، که سالهای سال علیه رژیم ددمنش شاه خائن مبارزه کرده‌اند، این بار به کمک خواهران و برادران پیکارجوی میهنمان، که علیه آمریکا و دستپار او و صدام جنایتکار مبارزه می‌کنند، برخاسته‌اند. این کارگران هر ماهه یکروز حقوق خود را، که معادل ۲۳۸۰ ریال است، به حساب جنگ زدگان واریز می‌کنند.

تابحال عده زیادی از کارگران قهرمان مسهر ما در

درود بر کارگران همیشه قهرمان ایران

ضمن صدور اطلاعیه‌ای آمادگی خود را برای مبارزه باتجاوز - گران صدامی اعلام کرد. سندیکادر این اطلاعیه همچنین خاطر نشان ساخت که کارگران شیلات جزیره آشوراده، یکروز حقوق خود را برای کمک به هم میهنان جنگ زده اختصاص داده‌اند.

تهران

کارکنان شرکت ملی صنعتی حنرال، ضمن انتشار اطلاعیه‌ای، اعلام کرده‌اند که مانند ماههای قبل، یکروز تا پنجروز حقوق خود را برای کمک به پیکارگران و جنگ زدگان، به مبلغ ۱/۴۶۹/۱۳۸ ریال، به حساب جاری شماره ۲۲۲ بانک ملی ایران، واریز کرده‌اند.

اتحادیه سینماداران کشور هم تاکنون در چند نوبت به برادران و خواهران جنگ زده کمک کرده‌است. مجموع این کمک‌ها تاکنون به مبلغ ۵/۱۸۰/۰۰۰ ریال بالغ شده‌است. همچنین کارکنان سینما مولن روز تهران، جداگانه مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال وجه نقد برای جنگ زدگان اختصاص داده‌اند.

کارگران کا رخانه چیت

جبهه‌های نبرد حق و باطل جان باختند. شهید محمد کسروی و شهید غلامرضا کرد، کارگران کا رخانه کیان تایر، که هر یک دارای همسر و چند فرزند بودند، داوطلبانه به جبهه‌های جنوب رفتند و در طی نبرد قهرمانانه با تجاوزگران صدامی شربت شهادت نوشیدند.

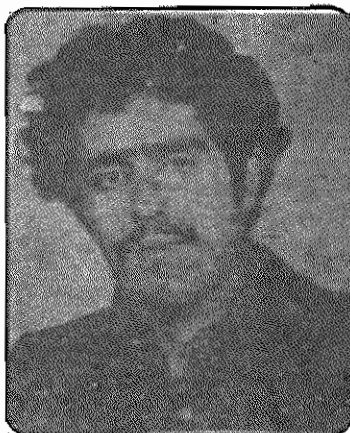
آبادان

وزارت نفت هم تا بحال چندین شهید تقدیم انقلاب کرده‌است، از جمله غیثوان از چند تن از شهدای پایتگاه آبادان نام برد که عبارتند از: عبدالباری محمودی، مجید و حمید بنی سعید، یوسف بقلانی، عبدا لکریم بیدی، داریوش نیک اندیش و جمیل جلیلی.

پتروشیمی آبادان هم تاکنون چند شهید را انقلاب کرده‌است: علی آلبوعلی، حمید عسگریان و کریم کلابی. درود بر همه رزمندگان جنگ که در جبهه و پشت جبهه‌های جنگ حماسه آفریدند!

درود بر طبقه کارگر، طبقه همیشه قهرمان ایران، که در همه جبهه‌های جنگ، برای حراست از مرزهای میهن ما، جان بسر کف به استقبال شهادت می‌شتابد.

لاله‌های سرخ انقلاب



کارگر شهید غلامرضا کرد

کارگر کیان تایر، ۲۷ ساله، ماهر، دارای سه فرزند. در اواسط دی ماه در جبهه جنوب به شهادت رسید.

وی از ابتدای پیروزی انقلاب در کمیته‌ها و سپس در سپاه پاسداران به "پاسداری" از دستاوردهای انقلاب روی آورده‌بود. خاطره‌اش گرامی باد!

راهیان در خاک خفته جبهه کار

کارکنان قهرمان پایتگاه آبادان با تمام قامت پهلوانی خویش به پاسداری از انقلاب ایستاده‌اند و تا آخرین تن در برابر نفوذ دشمن آمریکایی و دستپار صدام و دیگر دست پروردگان او خواهند ایستاد. اگر در این پیکار مقدس جان‌های پاک در دام هلاک‌افتند باکی نیست، چه انقلاب به پیش می‌تازد و میهن انقلابی زنده‌است، زیرا زحمتکشان شکست ناپذیرند.

اسامی تنی چند از کارکنان شهید پایتگاه آبادان، که در راستای دفاع از انقلاب به خاک و خون در غلطیدند به قرار زیر است: عبدالباری محمودی (تعمیرات) مجید بنی سعید (بیمارستان) حمید بنی سعید (حفاظت) یوسف بقلانی (حمل و نقل) عبدالکریم بیدی (رستوران مرکزی) داریوش نیک اندیش (تعمیرات) جمیل جلیلی (کت کارگر)

خاطره تابناکشان گرامی باد!

کارخانه تولیدارو

برادر! نانم را با تو قسمت خواهیم کرد

کارکنان قسمت های کیوان، لابراتوار دارویی و آرایشی کارخانه تولیدارو، یک پنجم از سهمیه مواد غذایی روزانه خود را برای جنگ زدگان می فرستند.

این تصمیم انقلابی، جواب دندان شکن کارکنان انقلابی تولیدارو به کسانی است که قصد داشتند، کارخانه را به بهانه بدبودن غذا به تعطیل بکشانند.

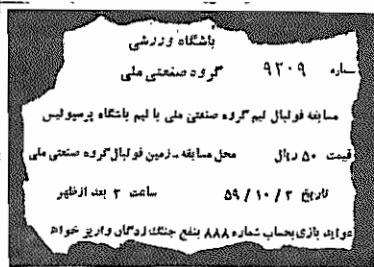
آری، زحمتکشان ایران پیش از هر چیز به انقلاب و پاسداری از دستاوردهای آن، در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا می‌اندیشند. از طرف کارگران یکی از قسمت‌ها (که جمعا بالغ بر صد و پنجاه نفرند) برنامه‌ای تنظیم شده‌است. طبق این برنامه همه کارکنان طی چند روز متوالی دسته‌دسته باگل و شیرینی و میوه به دیدار زخمی شدگان جبهه‌ها به بیمارستان‌ها می‌روند.

افرادیکه به عیادت مجروحین می‌روند، قنلا جای خسود را به دیگران واگذار می‌کنند، تالطمه‌های بامر تولید وارد نشود.

در یکی از این دیدارها، انقلابیون مجروح به کارگران یادآور شدند که:

"چرا کار و تولید خود را ترک کرده‌اید؟ شما باید تولید کنید، تا بتوانید آمریکا را شکست دهید!"

جبران خسارت جنگ و کمک به جنگ زدگان، بهر طریق، یک وظیفه انقلابی است



کارکنان کفش ملی بمنظور کمک به جنگ زدگان دست بستند. ابتکار رجالی ب زدن از طرف باشگاه ورزشی گروه صنعتی ملی، در تاریخ دوم دی ماه ۵۹، یک مسابقه فوتبال ترتیب داد: شد و بپهای بلیط مسابقه بد حساب جنگ زدگان واریز شد.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

پیام من به برادران کارگر، که در خط مقدم جبهه هستند، این است که تا آخرین قطره خون خود مبارزه کنید، تا انشاء الله پیروزی را به شهرهای خودمان ببریم و برادرانی که در کارخانجات هستند، سعی کنند که تولید را به روشنی و با هر مشکلی که هست، افزایش دهند، تا وقتی که به امید خدا دست جنایتکاران و خائنان از حقوق مستضعفین کوتاه شود."

کار می‌کند و کشاورزی که بر سر زمین است و مواد غذایی تولید می‌کند، همه در جبهه‌اند و همه در حال مبارزه‌اند... اما کسی که بخاطر کمبود بعضی مواد می‌آید و اعتصاب و تحصن راه می‌اندازد، و کسی که بخاطر طبقه‌بندی (مشاغل) و مسائلی از این قبیل کم کاری می‌کند و کارخانه را به تعطیل می‌کشانند، در جبهه نیست.

این جنگ شرکت کنم همه مردم هم باید شرکت کنند. رحیم زاده سپس با افشای ماهیت ضد مردمی رژیم صدام می‌پردازد و انتها به کارگران چنین پیام می‌دهد: "بنظر من از کسی که با اسلحه رود روی دشمن ایستاده، تا کسی که باماشین تدارکات او را تامین می‌کند، و کسی که از تهران برایش غذا می‌فرستد و حتی آن برادری که در کارخانه

روزنامه شورا (شماره ۳۶) مصاحبه‌ای دارد با عبدالمجید رحیم - زاده ۲۰ ساله، کارگر کارخانه کلاچ قزوین، که هم اکنون در جبهه جنگ بر می‌برد. رحیم زاده، ضمن تاکید بر این که "مبارزه ما تنها با عراق نیست"، بلکه علیه آنهایی است که می‌خواهند انقلاب ما را از بین ببرند" می‌گوید: "من وظیفه خود دانستم که در

نامشان جاودانه و یادشان گرامی باد!

ویژه روستاهای اطراف تهران

صدها و صدها روستا در اطراف تهران برانگیزانند که علی‌رغم نزدیکی به پایتخت، به بسیاری از نیازهای تولیدی و یا مایحتاج زندگی دسترسی ندارند. در این مناطق، نهاد های انقلابی، بویژه جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، دادگاه انقلاب، هیئت نظری و سوراهاای ده کارهای مثبت فراوانی انجام داده‌اند، منتهی با

رفع نقایص عدیده کار و توجه جدی و متعهدانه به مسائل این روستائیان، می‌توان و باید روستاهای اطراف تهران را به دژهای انقلاب بدل کرد و از نفوذ عناصر ضد انقلاب بد آنها جلوگیری کرد. برخی از مسائل دهات اطراف تهران، در این صفحه دهقانی نامه "مردم" بازتاب می‌یابد:

اراضی بزرگ مالکی کویر آباد را می‌توان فوراً به دهقانان واگذار کرد

روستای کویرآباد در ۲۵/۸ کیلومتری جنوب دولت‌آباد و در حوالی گرمسار قرار دارد. بزرگ‌مالک روستا و فرزندان وی در گذشته ۳۰۰ هکتار زمین دایر و صد هکتار زمین بایر را در مالکیت خود داشتند.

پیش از اصلاحات ارضی آمریکا، شاه ملعون، حدود ۴۵ خانوار در این روستا زندگی می‌کردند. اما در جریان آن، بزرگ‌مالک، که علاوه بر کویرآباد در چند روستای دیگر نیز زمین داشت حق ریشه برخی از دهقانان را خرید و آنها را بزور از آنجا کوچاند. پس از آن تنها ۲۰ خانوار، آنهم بشرط اظهار فقدان حق بر اراضی، توانستند در روستا بمانند. در واقع این اراضی بزور و با سندسازی از دهقانان گرفته شده است.

پس از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، همینهک صحبت از اصلاحات ارضی واقعی به میان آمد. بزرگ‌مالکان، که منافع خویش را در خطر نابودی می‌دیدند، به بهانه این که خود می‌خواهند کشت کنند، زمینها را از دهقانان گرفتند، در حالی که قسمت اعظم زمینها را بدون کشت باقی گذاشتند. بنابراین، چه از نظر منشاء مالکیت و چه از نظر بی‌حاصل گذاشتن اراضی، حق و قانون حکم

می‌کنند که هر چه زودتر زمینها به دهقانان واگذار شود.

به همین جهت هم هنگامی که هیئت هفت نفری تشکیل گردید، بخشی از اراضی بزرگ‌مالکان به دهقانان واگذار شد، لیکن قسمت اعظم زمینها در دست بزرگ‌مالکان باقی ماند و آنها هم اکنون مترصدند تا بقیه زمینها را نیز از دهقانان پس بگیرند. در حالیکه دهقانانی که زمین بدست آورده‌اند، بیش از ده نفر نیستند و بقیه هنوز در انتظار اقدام هیئت مذکور بسر می‌برند. به هیئت هنوز متأسفانه امکان داده نشده است که به این خواست آنان پاسخ دهد. البته به هر کدام از دهقانانی که زمین دریافت کرده‌اند، حدود ۲ هکتار رسیده است، ولی این روستائیان با مشکل کمبود آب روبرو هستند.

امید است که هیئت هفت نفری گرمسار هر چه سریع‌تر به وضع همه اراضی کویرآباد رسیدگی کند و قانون اصلاحات ارضی را بطور کامل اجرا کند. ضمناً لازمست که جهاد سازندگی و سایر نهادهای مسئول، مشکل کمبود آب و وسایل کشت را با همیاری خود دهقانان و تشویق آنان به همکاری، مرتفع سازند.

دستاوردهای انقلاب را به روستای دولت آباد هم ببریم

دهها روستا در کشور ما بنام "دولت‌آباد" وجود دارد. ولی مطلب امروز ما در باره آن روستای دولت آباد است که در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی گرمسار قرار دارد. این روستا حدود ۷۰۰ نفر جمعیت دارد و اهالی آن بیشتر به زبان آذربایجانی صحبت می‌کنند و تقریباً همگی قوم و خویش یکدیگرند.

اهالی این ده و چندین ده دیگر اطراف آن، در زمان شاهان قاجار، به علت اینکه جز "شورشیان" علیه دربار و حکومت بودند، به این محل کوچ داده شدند. شغل اولیه اهالی این روستا دامداری بوده، که بعداً کشاورزی هم به آن اضافه شده است. قیل از انقلاب بر اثر مشکلاتی که از طرف رژیم گذشته ایجاد می‌شد، دامداری در این منطقه رو به ضعف گذاشت و از تعداد دامها سال به سال کاسته شد. وقتی شرکت زراعی در گرمسار ایجاد شد، دهقانان این روستا در مقابل آن ایستادگی کردند، ولی بر اثر ضعف دهقانان و خشونت رژیم، در سال ۵۳ دولت موفق به الحاق روستا به شرکت شد. دهقانان بی‌چیز در این شرکت به کارگری می‌پرداختند و مزد می‌گرفتند.

بعد از انقلاب، خوش‌نشینان ده، که حدود ۴۰ نفر هستند، جمع شدند و توسط نماینده‌ای به نهادهای مختلف از جمله وزارت کشاورزی، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و استانداری شکایت کردند و خواستار زمین شدند. ولی پاسخی به آنها داده نشد. بعضی از آنها که روی زمین خانها و اربابان کار می‌کردند، صاحب زمین شدند،

ولی بقیه هنوز زمین برای کشت ندارند. در این ده حمام بهداشتی و نوساز، برق، مدرسه نوساز ۵ کلاس با ۱۲۰ دانش‌آموز وجود دارد ولی اهالی این روستا از نظر وسیله نقلیه و اتوبوس در مضیقه هستند و برای سوار شدن به اتوبوس باید به محلی در ۱۰ کیلومتری ده بروند. در سال گذشته توسط جهاد سازندگی در روستا لوله کشی آب شده است، ولی هنوز به منازل انشعاب نداده‌اند.

شورای ده با نظارت فرمانداری و سپاه تشکیل شده است، که فعالیت آن در این مدت عبارت بوده از: پیگیری در مورد لوله‌کشی آب، ارتباط با جهاد سازندگی برای رفع مشکلات درخواست علوفه، سیمان، بنزین و گازوئیل برای روستا. شورای دهگاهی اوقات هم به اختلافات جزئی میان کشاورزان رسیدگی می‌کند.

روستای دولت‌آباد دارای شرکت تعاونی است، که دارای ساختمانسی نوساز، انبار و غیره است. از اقدامات این شرکت، آوردن کود شیمیایی، قند و شکر سهمیه‌بندی شده اهالی و نفت بوده است.

در این ناحیه امکانات فنی و تاسیسات متعددی از شرکت سهامی زراعی باقی مانده، که باید از آنها بصورت جدید و در محتوای کاملاً نو - بسود دهقانان تهیدست - استفاده کرد. تشکیل یک تعاونی تولید نیرومند متعلق به خود دهقانان و متکی به نهادهای انقلابی، با استفاده از تاسیسات و تجربیات قبلی، می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند.

گذری به روستاهای شهریار

روستاهای منطقه شهریار با کمبود امکانات مختلف روبرو هستند و با این که قسمتی از اراضی مالکان بزرگ منطقه بین روستائیان این نقاط تقسیم شده است، لیکن هنوز به بسیاری از کشاورزان سند مالکیت داده نشده و یا اصولاً زمین‌های صادره شده، هنوز در اختیار کشاورزان قرار نگرفته است.

به‌عنوان نمونه، هیات ۷ نفری واگذاری زمین، املاک‌جهانبانی بزرگ مالک روستای آدران شهریار را صادره کرده است، لیکن با وجود گذشت مدت زیادی، هنوز نحوه واگذاری املاک صادره شده به دهقانان روشن نیست. املاک صادره شده حدود ۸۰۰ هکتار زمین و ۵۰ هکتار باغ است. در این اراضی حدود ۱۰۰ چاه عمیق وجود دارد تاکنون قسمتی از اراضی زیر کشت‌گندم رفته است. لازم به توضیح است که دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین آدران پریشنا هم‌های مربوط به واگذاری زمین را بر کرده‌اند و منتظر واگذاری هر چه سریع‌تر زمین‌ها هستند. اراضی صادره شده مشمول بند "ج" نیستند و از هم اکنون، یعنی طبق بندهای "الف" و "ب" و قبل از پایان دوران تعویق موقتی بند "ج"، می‌توان این‌گونه اراضی را به دهقانان داد و سند مالکیت مشخص یا مشاع را تسلیم آن‌ها کرد.

در بعضی از روستاها هم، مانند روستای خانه عبده‌آباد، هیات ۷ نفری واگذاری زمین، اراضی مالکان بزرگ را به خوش‌نشینان اجاره داده است. با اینکه روستائیان خانه عبده‌آباد خواستار واگذاری رسمی زمین به خود هستند، لیکن فعلاً از همین اقدام هیات هفت نفری نیز بسیار استقبال کرده‌اند، زیرا این کار باعث شد که آن‌ها از اجرای قرارداد ظالمانه‌ای که قبلاً مالک ده تحمیل کرده بود، سر باز زنند. بر اساس قرارداد مذکور، محصول زمین می‌بایست به نسبت پنج به یک بین مالک و کشاورزان تقسیم شود. در حالی که دهقانان خانه عبده‌آباد در حال حاضر برای هر هکتار سالیانه ۱۰۰۰ تومان اجاره می‌دهند. ولی البته هر چه زودتر باید تکلیف قطعی بعمل آید و زمین‌های بزرگ مالکان بطور قطع به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین واگذار شود.

اغلب کشاورزان روستاهای شهریار از داشتن خانه‌های مناسب محروم هستند و بعضی نیز اصولاً خانه‌های ندارند. در حال حاضر زمین‌هایی از طرف بخشدار منطقه هیئت نظری در اختیار روستائیان یوسف - آباد صیفری گذاشته شده است، لیکن کشاورزان توانایی مالی برای ساختن خانه در این زمین‌ها را ندارند. بر مسئولین امر است که با پرداخت وام و دادن کمک‌های ضروری دیگر، کشاورزان را در امر خانه‌سازی یاری کنند.

اهالی این مناطق، با وجود نزدیکی به تهران، از نظر رفت و آمد در مضیقه هستند و کمبود وسایل کشاورزی موجب می‌شود که کشاورزان شهریار برای تولید کشاورزی متحمل هزینه‌های گزاف شوند. طبیعی است که واسطه‌ها و سرمایه داران بزرگ از این وضع استفاده می‌کنند و اندک محصول کار آن کشاورزان را سر به یغما می‌برند. لذا از مسئولین کشاورزی می‌خواهم که در جهت تامین این وسایل با اتحاد مراکز خدمات کشاورزی وهم‌چنین حربه محصولات کشاورزی منطقه با قیمت عادلانه تضمین شده، اقدام دست واسطه‌ها را کوتاه کنند.

باید از هم اکنون به فکر تأمین سوخت (بنزین) برای روستائیان منطقه گرمسار بود

در منطقه گرمسار، دهقانان از هم‌اکنون زمینها بی‌کسب با یدیه زیر کشت خربزه‌بروند، آبپاری می‌کنند. این اراضی با یدیه‌ها رخش‌زده و کشت شوند. در این منطقه دهقانان برای رفت و آمد بر روی اراضی خود بطور عمده از موتورسیکلت استفاده می‌کنند. همچنین سمپاشی محصولات عموماً با سمپاشهای موتوری که سوختشان بنزین است، صورت می‌گیرد. و با لاکه زمینها روستائیان قطعه قطعه اند و محصولات آنها نیز کم است. در نتیجه حمل محصولات با کامیونهای گازوئیلی امکان پذیر نیست و تمام محصولات توسط وانت حمل میشوند.

بمنظور جلوگیری از نفوذ ضد انقلاب که با بهانه کمبود سوخت بمیدان می‌آید و در تولید اخلال می‌کند و ناراضی‌تانی در میان روستائیان ایجاد می‌کند، باید از هم‌اکنون به فکر تأمین سوخت (بنزین) برای کشاورزان روستاهای منطقه گرمسار بود. مسئولین با این کار خود بطور حتم در کوشش برای بی‌شکر کردن توطئه‌های ضد انقلاب و ارتقاء سطح تولیدات کشاورزی سهمیم خواهند شد.

فقدان امکانات رفاهی برای مردم زحمتکش محمودآباد و قاسم‌آباد

منطقه محمودآباد دودهستان قاسم‌آباد در ۲۵ کیلومتری جاده تهران - گرمسار (جاده قدیم مشهد) فاقد امکانات ابتدائی زندگی هستند.

آلونه‌های ردیف شده در کناره‌ها و کوچه‌های خاکی محمودآباد، نبودن آب لوله‌کشی و حمام مناسب و دبیرستان، مشکلات فراوان برای ساکنان این منطقه بوجود آورده است. همچنین هوای آلوده برخاسته از لوله‌های سیاه کسوره‌ها، سلامتی ساکنان را مورد تهدید قرار داده است. منطقه آب‌کافی کشاورزی دارد، ولی ترتیب استفاده از آن هنوز داده نشده است. در جنوب منطقه محمودآباد، دهستان قاسم‌آباد با همان مشکلات و شرایط، گسترده‌تر شده است. شورای قاسم‌آباد، که از زحمتکسان محلی تشکیل شده، سعی در برطرف کردن مشکلات مزبور را دارد، اما تا از طرف نهادهای انقلابی کمک به آن نشود، کارهای آریش نخواهد برد. دهقانان و شوراهای در انتظار این نهادها هستند. این شورا برای یک رشته کارهای سازندگی احتیاج به وامی دارد که متأسفانه تاکنون نتوانسته از هیچ محلی آن را تأمین کند.

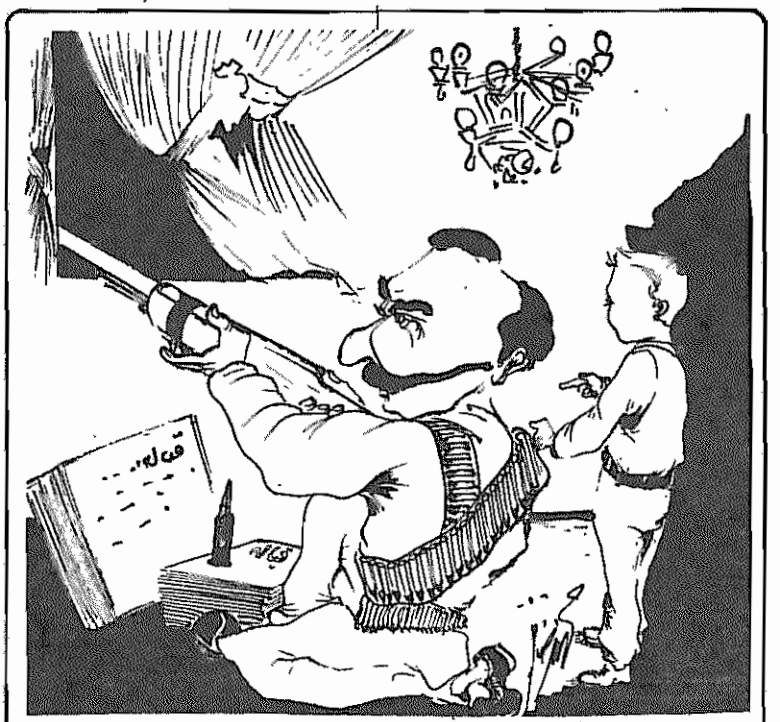
مقامات مسئول و نهادهای انقلابی وظیفه دارند همان‌گونه که ما مضمینی نیز تصریح کرده‌اند - بوضع دهقانان رسیدگی کنند و با توجه به مشکلات منطقه محمودآباد دویاری - رساندن به شورای محلی دهستان قاسم‌آباد، در جهت تأمین خواستهای این مردم زحمتکش بکوشند و آنها را بیش از پیش به انقلاب و دستاوردهای آن امیدوار کنند و موجبات رشد تولید را فراهم سازند.

درسی از نابودی محصول در روستای جوادآباد

در روستای جوادآباد از توابع ورامین، قطعه زمین وسیعی وجود دارد که مالک آن فراری است و امسال جهاد سازندگی را سا اقدام به کشت پنبه در آن کرد. هنگامی که زمان برداشت محصول فرا رسید، بعلت کمبود نیروی کار، بیش از ۱۶ هکتار از این زمین دست نخورد مابقی ماند و خطر از بین رفتن محصول آن، از توابع ورامین، قطعه زمین وسیعی وجود دارد که مالک آن فراری است و امسال جهاد سازندگی را سا اقدام به کشت پنبه در آن کرد. هنگامی که زمان برداشت محصول فرا رسید، بعلت کمبود نیروی کار، بیش از ۱۶ هکتار از این زمین دست نخورد مابقی ماند و خطر از بین رفتن محصول آن،

نکاتی اعضای جهاد را برانگیخت. ماضن توجه مقامات مسئول وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی به این مسئله، ضرور می‌دانیم که از همه وسایل تبلیغی و روشنگری برای بسیج افراد علاقمند و مومن به انقلاب استفاده شود. نظیر این ۱۶ هکتار پنبه، در سایر نقاط نیز می‌توان، با تکیه به مردم

محصول را از نابودی رها نید و یا کشت و جمع - آوری محصول را سازمان داد. همه انقلابیون صدیق در این زمینه وظیفه مهمی دارند. حتی یک غوزه پنبه یا یک دانه گندم نباید به هدر رود. سازمان دادن کارداوطلبانه مردم و کارمندان و دانش‌آموزان امری ضروری است.



پسر: پدر، آمریکا حمله کرده سنگر گرقتی؟ بزرگ‌مالک: نه پسر جون، او ملن زمین رو تقسیم کنن، بدن به دهاتیا. آمریکا که با ما کاری نداره!

امام خمینی: مستضعفین باید بازور حق خود را بگیرند.

شرکت خانه سازی الهیه به نامه «مردم» پاسخ میدهد

شرکت خانه سازی الهیه طی نامه شماره ۵۹/۴/۸، به مطلب نامه «مردم» زیر عنوان "در شهرک الهیه چه میگذرد"، مندرج در شماره ۱۸۸ نامه «مردم»، مورخ ۵۸/۱۲/۲۰ - که در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۸ به نامه «مردم» رسیده - پاسخ داده است که در زیر عینا درج می‌گردد:

"در رابطه با ۳۹ درصد سهام شرکت خانه سازی الهیه که قبلا متعلق به شهرام پهلوی نیا بوده است و بعد از پیروزی انقلاب طبق حکم کارگزاران وقت به ما در دسترس قرار گرفته است - در آمدن ما به این شرکت در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۰ است که مسئولین فعلی بنیاد مستضعفان در شرکت الهیه سهم و عملیات کنترل مدیریت آن را به عهده گرفته اند و نیز با توجه به پرونده های موجود، نیز گواه کارکنان شرکت، که از بدو تا سیس مشغول بکار بوده اند، سعی در متنگ زدن بنیاد مستضعفان در این بوده است که تمامی حقوق و مزایای کارگران زحمتکش و کارکنان آن طبق مشاهدات خود ایشان و پرونده ها و لیست های موجود در تاریخ ما موریت خود پرداخت و حتی در بعضی از مواقع حقوق روزانه کارگزاران از ۳۰۰ ریال به حداقل ۶۳۵ ریال به اضافه کلیه مزایای قانونی رسانیده است و نه تنها هیچ کارگری اخراج نشده است، بلکه به تعداد آن ها جهت پیشبرد کارها افزوده شده است و با رجوع به پرونده های موجود هیچگاه تعداد کارکنان شرکت از ۵۰۰ نفر بیشتر نبوده است که حدود ۶۰۰ نفر از آنها بیکار یا اخراج شده یا شده و مسئولین بنیاد مستضعفان بلافاصله بعد از شروع ما موریت خود در راه کارها و تحریک کارگاه کوشیده و هیچگاه شرکت مزبور در این مدت تعطیل خانه، تنه بدون افزایش قیمت، که هم اکنون در بقیه نقاط مملکت در حال سیر صعودی است، قرار داده اند که احتمالا خدمتی است در راه جلوگیری از تورم در بیکاری مسائل مسوورد نیاز مردم. این مسئله را میتوان از تعداد متقاضیان خانه در این شهرک و رضایت آن ها در پرداخت مبلغ آن بوضوح دریافت. بنابراین این برخلاف ادعای روزنامه مردم نه حقوق معوقه در شرکت الهیه موجود است و نه کارگر اخراجی و با مراجعه به حسابهای شرکت الهیه در بانکها، برخلاف گفته روزنامه مردم، از میلیون ها تومان بدهکاری خبری نیست و حسابها بستن نگار نیز می‌باشد و همچنین در حال حاضر شرکت با تمامی پرسنل و کارآیی و راندمان خوب در حال فعالیت بوده و تعداد خانه های آماده و ارائه شده به متقاضیان فراوان مسکن نمونه پیشرفت کاری این شرکت است. ولی قبل از تاریخ ما موریت ما چه مسائلی در رابطه با موارد ۳۹ درصد سهام شرکت خانه سازی الهیه بوده و تصمیم گیری در مورد مسئولین امر در آن زمان نه در ملاحظت ما است و نه عدم توجه به گذشته موجب تعطیل و از کما نندن و بیابکاری کارگران و یا عدم پرداخت مطالبات آینده شرکت می‌باشد." نامه «مردم» - چنانکه ملاحظه می‌شود، نامه فوق خیلی دیر به نامه «مردم» رسیده و متأسفانه در این فاصله بیعت اشغال دفتر نامه «مردم» توسط اشخاص غیرمسئول، اسناد دومازک موجود از بین رفته است و فعلا مکان پی جویی نیست.



نمایشگاه کاریکاتورهای ضد امپریالیستی در ماسال



سازمان جوانان توده ایران - شهرستان ماسال، روز اول بهمن ماه ۵۹، نمایشگاهی از کاریکاتورهای ضد امپریالیستی، از بدو پیروزی انقلاب تاکنون، برپا کرد. این نمایشگاه، که در مدت برپایی مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت، به افشای توطئه های جنایت کارانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و لزوم یکپارچگی و اتحاد خلق تحت رهبری امام خمینی، برای درهم کوبیدن این توطئه ها، اختصاص داشت.

نمایشگاه شهیدان حزب توده ایران در قزوین



به مناسبت ۱۴ بهمن، سالروز شهادت دکتر تقی ارانی، آموزگار زحمتکشان ایران، نمایشگاهی از سوی سازمان حزب توده ایران در قزوین برپا شد. این نمایشگاه از دکتر تقی ارانی، مظهر مقاومت و در برابر استبداد در خانی، تا شهیدای حزب توده ایران در جنگ عادلانه علیه تجار آمریکائی صدام را در برداشت. این نمایشگاه مورد استقبال مردم این شهر قرار گرفت.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نظام جدید آموزش و پرورش در الجزایر

سال تحصیلی جاری در الجزایر با شرکت ۴ میلیون کودک آغاز شد، که ۶۰ هزار نفر از آنها برای نخستین بار کلاس درس را به چشم می‌دیدند. ویژگی سال تحصیلی ۱۳۵۹/۶۰ آن بود که، بر اساس سیستم "اکول فوندامانتال" ("مدرسه پایه")، یعنی پلی تکنیک نه کلاسه، آغاز گشت.

این سیستم، که در الجزایر از آن به مثابه نقطه عطفی در تاریخ آموزش و پرورش آن کشور نام برده می‌شود، برنامه های درسی و شیوه های جدید تدریس را در برمی گیرد. اندیشه سیستم کنونی چیز جدیدی نیست و چهار سال پیش در "منشور ملی"، که برنامه تعمیم انقلاب الجزایر محسوب می‌شود، پیش بینی گردید، کنگره چهارم "جبهه آزادی ملی" در زمستان ۱۳۵۷ ضرورت اجرای این ماده "منشور ملی" را خاطر نشان ساخت و آن را به مثابه کار پایه (پلاتفورم) مهم ایدئولوژیک انقلاب الجزایر توصیف کرد.

برنامه های درسی و شیوه های تدریس سیستم جدید، چهار سال است که در برخی از مدارس الجزایر آزمایش می‌شود و نتایج آن نیز رضایت بخش بوده است. آغاز این سیستم در سراسر کشور بخشی است از برنامه توسعه ملی ۱۳۵۹-۶۳، که به بهبود کمی و کیفی آموزش و پرورش، قسمت مهمی از آن را تشکیل می‌دهد.

مهم ترین هدف های سیستم جدید عبارت است از آموزش همگانی و اجباری برای همه کودکان الجزایری، که ماسال پا به دبستان گذاشتند و هم پیوندی هر چه بهتر آموزش و پرورش با تحول عمومی جامعه.

الجزایری ها به خوبی آگاهند که نظام جدید آموزشی با دشواری های فراوانی روبرو خواهد بود. در این کشور هنوز مدرسه، کلاس درس و معلم کافی وجود ندارد، حدس زده می‌شود که در دبستان ها به ۱۱ هزار و در مدارس متوسطه به ۵۰۰ کلاس اضافی احتیاج است. در شهرهای بزرگی، مانند الجزیره، اوران، کنستانتین و غیره حتی پیدا کردن زمین مناسب برای ساختمان مدرسه با مسائل دشوار همراه است. در حال حاضر از کلاس ها باید دو هفته استفاده شود و هر معلم تدریس ۵-۴۰ شاگرد را به عهده بگیرد. دشواری دیگر را باید در رشد سریع جمعیت الجزایر جستجو کرد، که هر ساله

آنچه مسلم است، برنامه کنونی آموزش همگانی و اجباری شش ساله دیگر پاسخگوی نیازمندی های الجزایری نیست، که در راه ساختمان جامعه ای نو گام برمی دارد و هم اکنون دارای پایگاه صنعتی مدرن است.

شاگردانی که کلاس ششم را به پایان می‌رسانند، از نظر سطح سواد، توانایی آن را ندارند که تحصیلات متوسطه خود را آغاز کنند و یا آنکه به حرفه آموزی بپردازند. امید می‌رود که نظام جدید این دشواری را برطرف سازد. برنامه تحصیلی جدید، فزون بر زبان های بیگانه و علوم طبیعی، کار در کارگاه ها و کارخانه ها را نیز در بر می گیرد. هدف آن است که کودکان به کار مشاقت شوند و خویش را برای آموزش شغل مورد علاقه خود آماده کنند. در برنامه تحصیلی مدارس نه ساله، ورزش نیز از مقام خاص بهره مند می‌گردد.

یکی دیگر از اجزاء مهم برنامه تحصیلی، آموزش سیاسی است، که به ویژه آشنایی با "منشور ملی"، قانون اساسی، نهادهای محلی، "جبهه آزادی ملی" و سازمان های توده ای را شامل می‌شود.

«سازمان همبستگی خلق های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین» را بشناسیم

"سازمان همبستگی خلق های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین" - "اوسپال" (ارگانیزاسیون رد سولیداریتاد د لوس پوپولوس د آفریقا، آسیا ای آمریکا لاتینا) در ۲۵ دی ماه امسال پانزدهمین سالگرد تاسیس خود را جشن گرفت. این سازمان در نخستین کنفرانس همبستگی خلق های سه قاره، که از ۲۴-۱۳ دی ماه ۱۳۴۴ در هاوانا برگزار شد، تاسیس یافت. در این کنفرانس ۵۱۲ نماینده جنبش های آزادی بخش ملی و سازمان های مترقی - انقلابی ۸۲ کشور جهان شرکت داشتند.

هدف های این سازمان عبارت است از: اتحاد همه نیروها برای پشتیبانی موثر از جنبش های آزادی بخش سراسر جهان

نماینده جهاد سازندگی گلپایگان:

با وجود تمام کارشکنی ها، انقلاب پیروز خواهد شد

نماینده جهاد سازندگی سخنانی ایراد کرد، وی ضمن تجلیل از شهید خوشنویسان، به اشخاصی که مانع واگذاری زمین به دهقانان میشوند، اشاره و تاکید کرد که: "با وجود تمام کارشکنی ها انقلاب پیروز خواهد شد."

حسین خوشنویسان، مسئول جهاد سازندگی سوسنگرد، در جبهه هویزه، هنگام جنگ علیه نیروهای تجار و زگرد می به درجه شهادت رسید.

در مراسم بزرگداشت این شهید، که با شرکت عده زیادی از مردم در گلپایگان برگزار شد،

چند پرسش از لیبرالها

نامه هواداران حزب توده ایران در بروجن به سپاه پاسداران: توطئه ضد انقلاب را در بروجن خنثی کنیم

به دنبال درگیریهای اخیر شهرستان بروجن و بالاگیری تشنج در این منطقه، هواداران حزب توده ایران در بروجن، ضمن نامه‌ای به سپاه پاسداران این شهر، از آنها خواستند که:

«با حرکت‌های آگاهانه و موضع‌گیری‌های دقیق و سنجیده برای حفظ دستاوردهای انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های آمریکا، هشیار و گوشا باشند.»

در این نامه، ضمن تشریح توطئه‌های گوناگون آمریکا از جمله آمده است:

«جمهوری اسلامی نوپای ایران از هر سو در معرض خطر است. در داخل مرتجعین و قشرهای محافظه‌کار، همراه با عوامل ضد انقلاب و سرسپردگان به سرویس‌های جاسوسی امپریالیسم و در خارج تمام دنیای سرمایه و زر و زور، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، با هر ضد انقلاب ایران همدستان شده‌اند. فشار منگنه امپریالیسم آمریکا بر ما از هر سو افزایش می‌یابد. تجاوز نظامی آمریکائی رژیم جنایتکار صدام، که با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، با شکست مقتضای روبرو شده است. به همین دلیل برای جبران شکست و نیل به هدف اصلی سرنگونی جمهوری اسلامی ایران - امپریالیسم آمریکا در صدد توطئه جدیدی است. این توطئه با همکاری سرمایه‌داران بزرگ، ملاکان و فئودالها، بختیارها، اویسی‌ها، خلق مسلمانها، لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی در داخل و ضدانقلاب جهانی و اردوگاه سرمایه، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ و ارتجاعی‌ترین کشورهای منطقه، در مرحله تکوین و اجرا است.»

رویدادهای کشور در دوران اخیر نشان می‌دهد که چگونه امپریالیسم آمریکا برای تحقق آرزوی دیرینه‌اش در سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، به جداساختن توده‌ها از روحانیت پیرو خط امام، به ایجاد جو نفاق و تشنج و درگیری امید بسته است. همه شواهد و همچنین همه حوادث هفته‌ها و روزهای اخیر حاکی از آن است که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش، برای زمینه‌سازی اجرای توطئه دیگر، تاکتیک اصلی خود را در لحظه کنونی، برآنداختن اعتصابات و تحصن در محل‌های کار، ایجاد تشنج و درگیری در شهرها و روستاهای ایران قرار داده‌اند، و با این تاکتیک می‌خواهند هم جبهه داخلی انقلاب را تضعیف کنند و هم افکار عمومی مردم و مقامات مسئول و نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران را از پرداختن به خطر اصلی - توطئه براندازی آمریکا - منحرف سازند، تا طبق محاسبه خود زمان وارد آوردن ضربه نهایی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فرارسد. روشی که در برابر تاکتیک خطرناک کنونی باید در پیش گرفته شود - همانطور که مائوئیست‌ها در روزهای اخیر تاکید کرده‌اند - حفظ آرامش و خنثی کردن توطئه و تشنج است، که گام بزرگی در جهت عقیم گذاردن توطئه در حال تکوین امپریالیسم آمریکاست.»

مسئولین سپاه پاسداران بروجن! با توجه به شرایط حساس کنونی و وظیفه سنگینی که بر دوش این ارگان است، هواداران حزب توده ایران در بروجن هشدار می‌دهند که با حرکت‌های آگاهانه و موضع‌گیری‌های دقیق و سنجیده و با جدیت تمام برای حفظ دستاوردهای انقلاب و گسترش و تعمیق آن و خنثی کردن توطئه‌های رنکارنگ امپریالیسم آمریکا هشیار و گوشا باشید و با حفظ خونسردی و کمال واقع‌بینی، برای عقیم گذاشتن توطئه درگیری‌های موجود در شهرمان، که هر روز شاهد آن هستیم (از جمله ضرب و شتم نیروهای هوادار انقلاب، پاره کردن عکس نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران، توهین به یاران صدیق امام) هشیارانه عمل کنید.

هواداران حزب توده ایران از سپاه پاسداران بروجن هشیار و قاطعیت هر چه بیشتری را در شناسایی ضدانقلاب به هر لباس و محرکین جو ناسالم موجود را انتظار دارند. توده‌ای‌ها در راه تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران و گسترش انقلاب عمل خواهند کرد و در جهت افشای دسائس رنکارنگ ضدانقلاب، صمیمانه از هر گونه همکاری دریغ نخواهند ورزید.»

آنان باید با کلام و رفتار و اعمال خود پاسدار نظم انقلابی در مدارس باشند. وظیفه مسئولین نواحی آموزش و پرورش و اولیاء مدارس است که از گرایشهای انحصاری طلبانه و قشری اکیدا اجتناب ورزند و جو سالم و انقلابی بحث سیاسی و فعالیت مجاز دانش آموزان را فراهم آورند و با ایجاد هماهنگی میان نهادهای انقلابی در مدارس، به ایجاد محیط تفاهم و همکاری و همیاری میان دانش آموزان و اولیاء مدارس یاری رسانند.

با تعطیل و یا انحلال مدرسه و اخراج دانش آموزان گمراه و اخلاک‌مستحل نشود. هنر مربیان و مدیران مدارس انقلابی

و طبق نقشه و برنامه‌سیاه عمل میکند، متوقف شده و یا تخفیف یافته است؟

اگر پاسخ همه این پرسشها منفی است، آیا معلوم نیست که ادعای قبلی مبنی بر اینکه همه این بلاها ناشی از دگرگون‌گویی بوده است، ادعای کاذبی بوده است؟

اگر پاسخ همه این پرسشها منفی است، آیا واضح نیست که آن ادعای کاذب ناشی از حسن نظر نسبت به امپریالیسم هار، چنایکار، خدعه‌گر و غدار آمریکائی بوده است. آیا آن ادعای کاذب ناشی از این «ارزیابی» نبوده است که گویا امپریالیسم آمریکا دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی نیست، بلکه گناه‌عمیلات خصمانه او، گویا بر عهده جمهوری اسلامی ایران است؟

اگر آن ادعای غرض‌آلود و کاذب نبوده است (و فقط داشت‌های در ارزیابی آمریکا، خصلت امپریالیستی آمریکا، مشی سیاسی آمریکا بوده است) پس چرا اکنون که مسئله «دگرگون‌گویی» حل شده و «دگرگون‌گویی» توجیه شده‌اند، آقایان لیبرالها حل مسئله و توجیه «دگرگون‌گویی» را تایید نمیکنند که سهل است، باز این بار فغان سر داده‌اند که چرا مسئله حل شده، چرا چنین حل شده، چرا «دگرگون‌گویی» توجیه شده‌اند؟

آیا این موضع‌گیری سیاسی و جنجال تبلیغاتی جدید لیبرالها بروشنی نشان نمیدهد که لیبرالها در هر صورت، می‌خواهند با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مخالفت

کمال تاسف باید گفت که برخی مسئولان نواحی آموزش و پرورش و بعضی مدیران مدارس، آسان‌ترین راه را انتخاب کرده‌اند و به محض ادامه درگیری‌ها، به تعطیل یا انحلال مدرسه اقدام نموده‌اند، که درست نیست در یکی از مدارس حتی انجمن اسلامی مدرسه دست به این اقدام زده‌است، که بیشتر نادرست است. آقای شگرف نضی در توضیح وظایف مسئولان مدارس پدرستی میگوید:

«نتیجه دانش، عمق بخشیدن، گسترده ساختن و تعالی دادن است. بار آوردن انسان متعهد، مبتکر و خلاق.»

معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش می‌افزاید:

«برنامه وزارت آموزش و پرورش اینست که مفهوم آزادی را وسیله معلمان برای دانش آموزان توجیه کند و آنرا تفهیم نماید که معنای آزادی سر و صدا کردن و پیروی از یک گروه یا گروهک خاصی بدون هیچگونه آگاهی و اطلاعی نیست.»

بی تردید در برابر مسئولان آموزش و پرورش و اولیاء مدارس در ارشاد دانش آموزان گمراه، وظیفه تقویت نهادهای انقلابی در مدارس مانند شوراهای دانش آموزان، انجمن‌های اسلامی مدارس، شوراهای هماهنگی و غیره قرار دارد. علاوه بر این، همکاری با گروههای انقلابی در مدارس به منظور مقابله با آشوب‌طلبی عناصر مخرب عاملی است که میتواند از گسترش درگیری‌ها جلوگیری کند.

جمهوری اسلامی ایران پایان یافته است؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا در کشورهای اروپای غربی، فعالیت بختیارها، نزیه‌ها، امینی‌ها، جم‌ها، آریافانها، زاهدی‌ها، اویسی‌ها، و همه دیگر نوکران بی‌اختیار امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران متوقف شده است؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا نقشه‌های آمریکا برای تشکیل «ایران آزاد»، برای ایجاد اختلافات «ملی» در ایران، برای ایجاد اختلاف مذهبی (بین سنی و شیعه) در ایران، برای ایجاد انواع درگیری‌ها در ایران، باطل شده‌اند؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا فشارهای اقتصادی و فشارهای سیاسی امپریالیسم، بر سرکردگی آمریکا، بر جمهوری اسلامی برطرف شده‌اند؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا دولت‌های دست‌نشانده و دستیار آمریکا در منطقه (عمان، شیب، فئینها، عربستان، پاکستان، مصر، اردن، اسرائیل، کنیا، سومالی و غیره) از خصومت خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران دست کشیده‌اند؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا تبلیغات «امپریالیسم خیری» علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متوقف شده و یا تخفیف یافته است؟

«دگرگون‌گویی» تحویل شده‌اند، آیا فعالیت ضدانقلاب متشکل در داخل ایران، که بدستور آمریکا

های دموکراتیک» تشکیل داده‌اند و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، به تاسیس «کمیته مقاومت در برابر اخراج» دست زده‌اند.

بدیهی است که ما نه با نقض آزادی عقیده و بیان و بحث آزاد برای گروههای انقلابی در مدارس موافقیم و نه با اخراج دانش آموزان گمراه و اخلاک‌مست و ریختن آنها به خیابانها. اما تشکیل چنین کمیته‌هایی از سوی گروهکهای مائوئیستی-امریکائی و «سازمان مجاهدین خلق ایران» عملاً جز تشدید جو تشنج در مدارس نتیجه‌ای ندارد، کاری که در خارج از محیط مدارس نیز همین نتیجه را داده است.

متأسفانه عدم برخورد منطقی با اینگونه اعمال، از سوی برخی از اولیاء مدارس و یارهای از انجمن‌های اسلامی، موجبات تشدید برخوردها و غیظت‌زدن شدن جو تشنج را فراهم کرده است. در حالیکه در آن مدارس که اولیاء آموزش و پرورش ناحیه و یا مدرسه در برابر این جو سازی‌ها تدبیر منطقی اندیشیده‌اند، از گسترش آشوب و درگیری جلوگیری بعمل آمده و تلاش‌های ضدانقلابی عقیم مانده است.

تردید نیست که راه مقابله با نقشه‌های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش در مدارس تعطیل مدارس نیست، که خواست امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب است. اخراج دانش آموزان گمراه و اخلاک‌مست، زیرا مدرسه وظیفه ارشاد و هدایت و پرورش فکری آنانرا برعهده دارد. بنا

باتحریرکات ...

بقیه از صفحه ۹

چنان جسارت یافته‌اند که در تلاش برای ایجاد تزلزل در شور انقلابی دانش آموزان مومن به دست به تحریرکات گوناگون می‌زنند. آنها در مدارس علناً به رهبران انقلاب توهین و از ضدانقلاب فراری پشتیبانی میکنند. گروهکهای خسراکبار مائوئیستی-امریکائی و لیبرالها با بهره‌برداری از گرایشهای انحصارطلبانه برخی از انجمن‌های اسلامی و بعضی اولیاء قشری مدارس، جو را متشنج میکنند. بعنوان «نقض آزادی» به تبلیغ علیه مسلمانان انقلابی به رهبری امام خمینی دست می‌زنند. در شرایطی که امپریالیسم غارتگر آمریکا چنگ و دندان خود را برای هجوم به انقلاب، تیز میکند، بجای آنکه از شور انقلابی دانش آموزان برای مبارزه با امپریالیسم استفاده شده این گروهک‌ها با طرح شعارهای فرعی ذهن کودکان را از توجه به شعار عمده مبارزه منحرف می‌کنند و آنانرا در چنین مسائل غیر عمده گرفتار می‌سازند.

بجای آنکه در مدارس مثلاً کمیته‌های «گمک به روزندگان چپ» و یا «مبارزه با امپریالیسم» تشکیل گردد و از هوش و استعداد و ابتکار و خلاقیت میلیونها دانش آموز در اینراه بهره‌برداری شود، گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی در برخی از مدارس «کمیته هماهنگی دفاع از آزادی»

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بانه:

فئودال‌های غارتگر، متحدین امپریالیسم اند

حزب توده ایران سازمان‌یافته، با انتشار اعلامیه‌ای تأکید کرد که: «تشکل و اتحاد هرچه بیشتر زحمتکشان، گامی اساسی در راه حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب است.»

کرد، با اقدامات سازنده و مثبت مسئولین متمهد جمهوری اسلامی آماده است که با کاروان انقلاب همراهی کند.

شکفتا که در بیخ گوش این همداستان زحمتکشان و این مدعیان دیکراسی (بسه سبک صدام) طبقات وازگون شده و پیشاپیش آنها، فئودالها و بزرگ مالکان، همچنان به استثمار دهقانان ادامه میدهند.

اعلامیه شورای دهقانان «گرماب و حومه»، مورخه ۲۳/۱/۵۹، سند جنایات آنان و گواه حقانیت راهی است که زحمتکشان ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌اند، یعنی تشکل و اتحاد هرچه بیشتر و - های انقلابی بمنظور دفاع از دستاوردهای انقلاب.

در این اعلامیه آمده است:

«زمانیکه کردستان مهرکه یک جنگ‌خاندان‌سوز است، زمانی که فقر و گرسنگی و گرانی، این بیماری سرمایه‌داری، بیشتر بر دوش ما زحمتکشان احساسی میشود... این لاشخوران، این استثمارگران تاریخ، آنی از استثمار ما غافل نیستند. فقط در مدت یک ماه و نیم پیش، خلیل‌یگ این مهره استثمارگر و حامی امپریالیسم، بنام پوشانه (مربوعه فروشی) بالغ بر دو هزار تومان (۴۰۰۰ تومان) پول نقد و اجناس از چهار نفر دهقان «سی‌سارک» گرفته است. علاوه بر این:

۱- از عبدالله صدقی رسول مبلغ یک هزار (۱۰۰۰ تومان) و چند کیلو چای و یک کیسه خرما عراقی گرفته است.

۲- از ماه صالح شینکه مبلغ هشتصد تومان (۸۰۰) پول نقد گرفته است.

۳- از حاجی شریف مبلغ دویست تومان پول نقد گرفته است.

۴- از ماه قادر حاجی فرج یک کیلو چای عراقی گرفته است. ماه قادر تبه‌دست‌ترین کشاورز سی‌سارک بشمار می‌آید. آری، این بقیه مشت محکمی بر دهان

«با این سیاست باید قطعاً مقابله شود.» وی یادآور شد که با توجه به این واقعیت که در جریان انتخابات ریاست جمهوری روشن شد که ائتلاف حاکم حمایت رای-دهندگان را از دست داده است، احزاب کمونیست خواستار استعفا دولت ائتلافی و تشکیل یک دولت دیمکراتیک است. گویال گفت: «اوضاع و احوال ممکن است ایجاب کند که انتخابات پارلمانی بزودی تجدید شود. حزب کمونیست پرتغال عقیده دارد که دیمکراتیزه شدن اوضاع در کشور، تنها براساس تقابل همه نیروهای دیمکراتیک و در درجه اول احزاب کمونیست و سوسیالیست امکان پذیر است.»

گویال درباره تغییر احتمالی قانون اساسی گفت: «محافل راستگرا درصدد تغییر قانون اساسی اند، تا دستاوردهای انقلاب را نابود کنند، مواضع خود را تحکیم بخشند و سرانجام نظام موجود را نابود کنند.» گویال تأکید کرد: «حزب کمونیست با هر گونه تغییر در مواد قانون اساسی مخالف است و پیشنهادهای خود را در پارلمان مطرح می‌کند.»

مخالفت مردم پاکستان با حضور ضدانقلابیون افغانی در این کشور افزایش می‌یابد

گزارشهای رسیده از پاکستان نشان می‌دهد که مخالفت مردم با فعالیت‌های باصطلاح «مبارزان افغانی» در آن کشور، روز بروز افزایش می‌یابد. مردم پاکستان، بویژه در مناطقی که اردوگاه‌های نظامی این باصطلاح «مبارزان» در آنجا قرار دارد، از جنایات و قتل و غارت‌های ضدانقلابیون افغانی بیجان آمده‌اند. بنا به همین گزارشها، در ایالت سرحد شمالی، مردم از مقامات محلی برای مقابله با این ضدانقلابیون تقاضای کمک کرده‌اند. حتی روزنامه‌های پاکستانی، که تحت سانسور شدید رژیم دست‌نشانده ضیاعالحق قرار دارند، مطالبی در این مورد درج می‌کنند.

از سوی دیگر، احزاب سیاسی پاکستان بار دیگر خواستار برقراری روابط حسن همجواری با افغانستان شدند. احزاب سیاسی پاکستان تأکید کردند که تبدیل پاکستان به پایگاه توطئه علیه افغانستان، یا منافع ملی پاکستان مغایرت دارد.

مدعیان برابری خلق کرداست، آنهایی که کمترین توجهی به مبارزات طبقاتی زحمتکشان نمی‌نمایند.»

حزب توده ایران - سازمان یانه، بار دیگر بر ماهیت ضد مردمی و ضدانقلابی گروه‌هایی که سعی دارند خلق کرد را به مقابله با جمهوری اسلامی ایران بکشانند، تأکید می‌کند و معتقد است که مقامات متمهد و مسئول جمهوری اسلامی ایران باید هرچه زودتر به حل مسائل حاد کردستان بر مبنای پیام ۲۶ آبان ماه اعلام‌حقیقتی عمل کنند، انقلاب و دستاوردهای آن را هرچه بیشتر به خلق کرد بشناسانند و پشت جبهه را از لوث وجود خرابکاران ستون‌پنجم امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام پاکسازی کنند.

- پیروزی مبارزات دهقانان و زحمتکشان در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند خلق‌های ایران و در راه بدست آوردن استقلال، آزادی، زمین و ترقی اجتماعی در چارچوب تمامیت مبین عزیزان ایران!

- مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!



امپریالیسم آمریکابودجه نظامی خود افزوده است

رونالد ریگان برنامه‌های اقتصادی خود را برای به‌اصطلاح درمان مشکلات اقتصادی فراینده آمریکا اعلام کرد.

برطبق این برنامه، قرار است دهها میلیارد دلار از بودجه رفاهی کشور، از جمله بودجه بهداشت، آموزش، حقوق جوازتست‌سنگان، کمک به فقرا و غیره کاسته شود. رونالد ریگان در عوض اعلام کرد که بودجه نظامی بی‌سابقه آمریکا به گونه‌ای چشمگیر افزایش خواهد یافت. در واقع هیئت حاکمه آمریکا بزبان فقر و تنگدستی هرچه بیشتر توده‌های محروم، سودهای سرشار نصیب انصارات می‌کند. ریگان در سخنرانی خود، برای توجیه این سیاست، طبق معمول اراجیف و اباطیل مربوط به «گسترش قدرت نظامی شوروی» را تکرار کرد، ولی خود بهتر از هرکس دیگر میداند که این یاوه‌ها دیگر کسی را فریب نمی‌دهد.

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

«موجود» شناسی

لیبرال «موجودی» است از تیره «گره‌سازان» ظاهرا بی‌آزار، اما در حقیقت بسیار مودی و خطرناک، که چنگال تیز خود را در پنجه‌های نرم پنهان می‌کند و هر وقت لازم بداند، بیرون می‌آورد.

مردم به آن «گره» مرتضی‌علی هم می‌گویند که از هر طرف بیفتند، چهار دست و پا به زمین می‌آید و آسیبی نمی‌بیند. خود را سر هر سفرهای جا می‌کند، اما حق نان و نمک سرش نمی‌شود و نمک گیر نمی‌گردد.

نام دیگر او «گره‌دزده» است. چوب را که بردارند، فرار می‌کند. اما آب‌ها که از آسیاب افتاد، دوباره سر و کله‌اش پیدا می‌شود.

در پاسخ این سؤال که بچه می‌آورد یا تخم می‌گذارد، «موجود» شناسان عقیده دارند که از این «موجود» مودی، هرچه بگویی برمی‌آید. البته بیشتر در جاسوسخانه. عموسام تخم می‌گذارد و از بچه‌هایش مواظبت می‌کند.

بعد از انقلاب مدتی در دیزی باز ماند، این گربه هم با بی‌حیایی تمام، دست کرد و تکه گوشت‌های درشتی برداشت. اما وقتی که دانشجویان مسلمان جاسوسخانه را گرفتند، حسابی آواره و درده‌در و آلاخون‌والاخون شد. از وقتی که دستش دیگر به گوشت نمی‌رسد، می‌گوید: پیف پیف، بو می‌دهد!

خواجی حافظ شیرازی، خطاب به ناآگاهانی که سر خود را مثل کبک زیر برف می‌کنند و فریب ظاهر این «موجود» را می‌خورند، می‌فرماید:

ای کبک خوش خرام کجا می‌روی، پایست، غره مشو که گریه زاهد نماز کرد. به همین جهت است که می‌گویند فریب مظلوم‌نمایی او را نباید خورد که گفته‌اند:

گره مسکین اگر پر داشتی تخم گنجشک از زمین برداشتی و نیز گفته‌اند: لیبرال از قدرتی می‌داشتی انقبلاهی در جهان نگذاشتی

ماتوئیست «موجودی» است دست‌آموز که عمو مائو، آنها تربیت کرد و هنگامی که دوست جان‌جانی‌اش نیکسون به دیدنش رفت، این جانور را به رسم دوستی به او هدیه داد. حالا این جانور گر چه نام از عمو مائو دارد، فی‌الواقع در خدمت عمو سام است و قلابه او را بر گردن دارد و زنجیرش به دست اوست. برای همین است که همیشه پر و پاچه بند خواهان عمو سام را می‌گیرد.

سه‌جهانی «موجودی» است که به هر دو «بر قدرت» پارس می‌کند، اما فقط یکی از آنها را گاز می‌گیرد. در برابر اروپاییان غربی و ژاپنی‌ها بسیار رام و دست‌آموز می‌شود و هر دستوری که می‌دهند، با تیزهوشی غریزی خاص خود فوراً می‌فهمند و بیدرتک اجرا می‌کند. بنابراین عمو سام اگر بخواهد که این «موجود»، کاری برایش انجام دهد، به دوستان اروپایی غربی و ژاپنی خود متوسل می‌شود.

«رنجبر» «موجودی» است که عمو سام او را تربیت کرد و با خود به ایران آورد. و حالا چون آرایش او را گذاشته و رفته، خیلی ناراحت است و از این دوری غصه می‌خورد و رنج می‌برد. و به همین علت هم هار و وحشی شده و پروپاچه هر کس را که دم دستش باشد، می‌گیرد.

با «روسیه» دشمنی و کینه عجیبی دارد، زیرا خیال می‌کند که فرار آرایشش زیر سر اوست. گرچه برای هرکس که تکه استخوانی به سوی او بیندازد، حتی اگر ضیاعالحق باشد، دم تکان می‌دهد، اما عقده «خوداریاب کم‌بینی»‌اش علاج نمی‌شود.

جمهوری دیمکراتیک خلق یمن و اتیوپی حضور نظامی امریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس را محکوم کردند

کشور حضور نظامی امریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس را محکوم کردند. دو کشور تأکید کردند که این تحریکات خطر علیه خلق‌های منطقه را افزایش میدهد. در این اعلامیه تسلاتش امپریالیسم آمریکا برای در حق ردیف قرار دادن مبارزه بر خلقها برای آزادی با «تورویسم» محکوم شده است.

در پایان دیدار «علی ناصر محمد» نخست وزیر جمهوری دیمکراتیک خلق یمن از اتیوپی، بیانیه مشترکی از سوی دو کشور منتشر شد. در این اعلامیه، دو

برقرار یاد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دیمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM No. 449 21. February 1981

Table with 3 columns: Price, Country, and Amount. Includes West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), Sweden (1.50 Skr).

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۳۵۵۱/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران